

شکست صدام قطعی است، ولی نبرد با آمریکا ادامه خواهد داشت



دوره هفتم ، سال دوم ، شماره ۳۷۶
یکشنبه ۲ آذر ۱۳۵۹ ، مطابق با
۱۴ خرم ۱۴۰۱ ، بها : ۱۵۰ ریال

اقتصادی از یکسو و عدم کفایت تولید داخلی از سوی دیگر، باعث کمبود کالا و گرانی روزافزون شده، احتکار و سودجویی، این کمبود و گرانی را فزونی بخشیده و در نتیجه مردم ناراضی شده‌اند. در زمینه نظامی، جمهوری اسلامی ایران ارتشی دارد، که در آن کشمکش‌های انضباطی را گرفته، بقیه در صفحه ۲

بر اثر شبیه‌خون مدافعان انقلاب، تجاوزگران صدامی در امتداد جاده‌های آبادان یک کیلومتر عقب رانده شدند

به گزارش صدای جمهوری اسلامی ایران، به نقل از واحد مرکزی خبر در کرمانشاه، جنگ در تمام جبهه‌های غرب کشور همچنان ادامه دارد و توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران، مواضع متجاوزان صدامی را زیر آتش گرفته‌اند. به گزارش دفتر مرکزی خبر و خبرگزاری پارس ساعت ۱۷ جمعه، ۵ فروردین هلیکوپتر هوانیروز، مواضع، سنگرها و تجهیزات دشمن یعنی در جبهه سومار را مورد حمله قرار دادند و خسارت‌های زیادی به مزدوران صدام وارد کردند. به گفته یکی از برادران پاسدار انقلاب اسلامی مستقر در جبهه سومار، انفجار و آتش‌سوزی یک انبار بزرگ مهمات دشمن در این منطقه، حدود ۴ ساعت ادامه داشت و خسارات سنگینی به دشمن وارد شده است. به گزارش صدای جمهوری اسلامی ایران در ساعت ۱۴ دیروز، آخرین خبر رسیده از جبهه سومار حاکیست که دلاران ما پس از تصرف مواضع دشمن و غلبه بر متجاوزان، هم‌اکنون با شجاعت فراوانی به ستیز با دشمنان مشغولند و سعی آنها بر اینست که هرچه زودتر منطقه را از لوث وجود مزدوران پاک کنند. به گزارش خبرگزاری پارس از منطقه دالاهو، در سه روز گذشته، نبرد در منطقه ریجاب و بز میرآباد ادامه داشته است. خبرنگار دفتر مرکزی خبر از این جبهه گزارش داد که در منطقه ریجاب، فدائیان امام خمینی و پاسداران، در عملیات پخش کردند، طی یک سری عملیات موفقیت‌آمیز دو خودروی مزدوران یعنی بقیه در صفحه ۷

اسلام آمریکائی سادات در مقابل با اسلام انقلابی امام خمینی محکوم به شکست است

چند روز پیش خبر گزارها گزارش دادند که به اصطلاح جامعه خلقهای عرب و مسلمانان، اجلاس موسسان خود را در قاهره برگزار میکنند. اگر انتخاب قاهره، بعنوان محل تشکیل این گردهمایی، بخودی خود مشکوک بود، ترکیب شرکت کنندگان در آن و بویژه سخنرانی گشایشی انور سادات کوچکترین شبهه‌ای درباره ماهیت راستین آن باقی نگذاشت. با اصطلاح نمایندگان این اجلاس، نه تنها منتخب خلق‌های عرب و مسلمان نبودند، بلکه سادات خود زحمت «انتخاب» آنها را بعهده گرفت و آنها را مأمور تنظیم «منشور» «جامعه» کذابی کرد از جمله «برگزیدگان» نامدار «جامعه» خلق‌های عرب و مسلمان، یک فراری افغانی است، بنام حاجی، که در پیشاور پاکستان «پایگاه» دارد. «رجل» نامبرده، به حکم سادات، بعنوان نایب رئیس «جامعه» انتخاب شده است. منابع غربی، با اشاره به این واقعیت که، علاوه بر «مبارزان افغانی»، تنها دولت سودان از دعوت سادات رسماً پشتیبانی کرده است. شکست این آخرین نیز خاطر نشان ساخته‌اند. انور سادات، که اینک دیگر علناً به نوکری امپریالیسم آمریکا میبازد، در این گردهمایی بار دیگر اعتراف کرد که به «مبارزان قهرمان افغانی» کمکهای نظامی و مالی میدهد. البته مضمون این اعتراف برای ناظران سیاسی چندان شکفت‌انگیز نبود، چه حتی جارچیان مزدور امپریالیسم نیز، که برای منحرف کردن ذهن عمومی از هدفهای چپاول-گرانه و تجاوزکارانه اروپائیان، بویژه علیه خلق‌های مستعبد و کشورهای شرقی منطقه خاورمیانه، ماهیست که کارزار «رویدادهای افغانستان» را براه انداخته‌اند، بارها از حمایت همه‌جانبه سادات به اشعار افغانی گزارش داده‌اند. برای نمونه، در همین پایگاه ماجدی در پیشاور، «کارشناسان» مصری، دوش بدوش اروپائیان آمریکایی و همقطاران چینی خود، به آموزش خرابکاران افغانی مشغول هستند. نمایش جدید قاهره هنگامی بقیه در صفحه ۲

شکست تجاوز نظامی دارو دسته صدام به کشور ما قطعی است و هم‌اکنون این تجاوز نظامی از لحاظ هدف سیاسی - براندازی جمهوری اسلامی ایران - که در برابر خود نهاده بود، شکست خورده است. تجاوز نظامی دارو دسته صدام به کشور ما، که ششمین توطئه امپریالیسم آمریکا برای براندازی جمهوری اسلامی ایران بوده، بر مبنای محاسباتی انجام گرفت. که از پشت عینک امپریالیسم آمریکا و سازمان «سیا» دقیق و درست بنظر میرسید، ولی در برخورد با واقعیتی که امپریالیسم و ارتجاع هیچگاه قادر به دیدن آنها نیستند، هم‌چون حساب صابون ترکید. تجاوز بر مبنای این محاسبه انجام گرفت که، جمهوری اسلامی ایران با مشکلات متعددی در زمینه‌های اقتصادی و نظامی و سیاسی روبرو است. در زمینه اقتصادی، تحریم

پرونده سازی علیه حزب توده ایران محکوم است و عاقبت هم ندارد

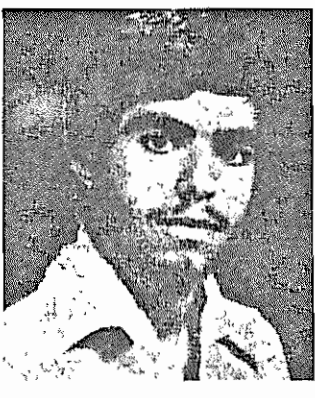
☆ پرونده سازی علیه حزب توده ایران عملی است تفرقه آفرین، تحریک آمیز، غیر قانونی، غیر اخلاقی و بدزبان انقلاب

۱- در تاریخ ۷ آبان ۵۹، هنگامیکه زبان نامه «مردم» بواسطه تعطیل موقت بدون دلیل آن، بسته بود، در مطبوعات، خبری سراپا کذب محض و افترا آمیز از قول خبرنگار خبرگزاری پارس انتشار یافت که پس از انتشار دوباره نامه «مردم»، در تاریخ ۱۹ آبانماه ۵۹ بطور مفصل و جزء به جزء به آن پاسخ داده شد و ماهیت ساختگی آن روشن گردید. عنوان این پرونده سازی «سوء استفاده حزب توده از بیت‌المال و صداقت مردم جنوب شهر تهران» بود. ۲- در تاریخ ۱۸ آبانماه ۵۹ «روایط عمومی دادسرای انقلاب اسلامی مرکز» در ارتباط با وقایع سومین روز محاکمه محمدرضا ساداتی، طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «اکثر کسانی که در رابطه با توزیع اوراق ممنوعه بازداشت شده‌اند، روزنامه مجاهد و مردم و اوراق مربوط به حزب توده بدست آمده است و آیا این پیوند حکایت از چه میکند؟» (صبح آزادگان، ۱۸ آذر ۵۹) دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران بلافاصله در همان روز این مطلب را قاطعانه تکذیب کرد و اعلام داشت که اگر کسانی در چنین کاری شرکت کرده باشند، هیچگونه ارتباطی با حزب توده ایران ندارند و عمل آنها از جانب حزب ما، تحریک و پرونده سازی تلقی میشود. بقیه در صفحه ۲

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در سخنرانی‌های اخیر خود، از روی دلسوزی عمیق به سر نوشت انقلاب ایران با تأکید فراوان، همگان، از شخصیت‌ها تا جراید را به پایان دادن به جو کشمکش و ستیز، تفرقه افکنی و تحریک فراخواندند. مسئولین درجه اول جمهوری اسلامی ایران نیز ضرورت حفظ اتحاد و احتراز از تفرقه را بمنظور مقابله با شیطان بزرگ - آمریکا و شیطانهای کوچک، از جمله تجاوزگران صدامی، بارها و بارها یادآوری کرده‌اند، و این امر ظاهراً مورد تأیید همگان واقع شده است. اما متأسفانه - از گذشته که بگذریم - حتی در دوران پس از جنگ نیز محافل و عناصر و نیروهای معینی، که خود در حرف از ضرورت وحدت و احتراز از تحریک و تفرقه و پیروی از خط امام، بسیار سخن میگویند، در عمل نه فقط به دشنامگویی و افترا زنی به حزب توده ایران پرداخته‌اند - که خود عملی است زشت، تحریک آمیز و تفرقه آفرین، بلکه به پرونده سازی علیه حزب توده ایران نیز اقدام کرده‌اند، یعنی آگاهانه یا نا آگاهانه، عمل نادرستی را، که حتی حزب توده ایران فکر آنرا نیز به ذهن خطور نمیدهد، به «توده‌یاب» منتسب کرده‌اند، تا از این عمل، ظاهراً به نتایج معینی، که بیشک به سود انقلاب نیست، دست یابند. مادر ذیل چند نمونه از این پرونده سازیها را می‌شماریم:

نه، این قافله راسر باز ایستادن نیست

رفیق قهرمان، حجت ذوالفقاری، جان خویش را نثار انقلاب کرد



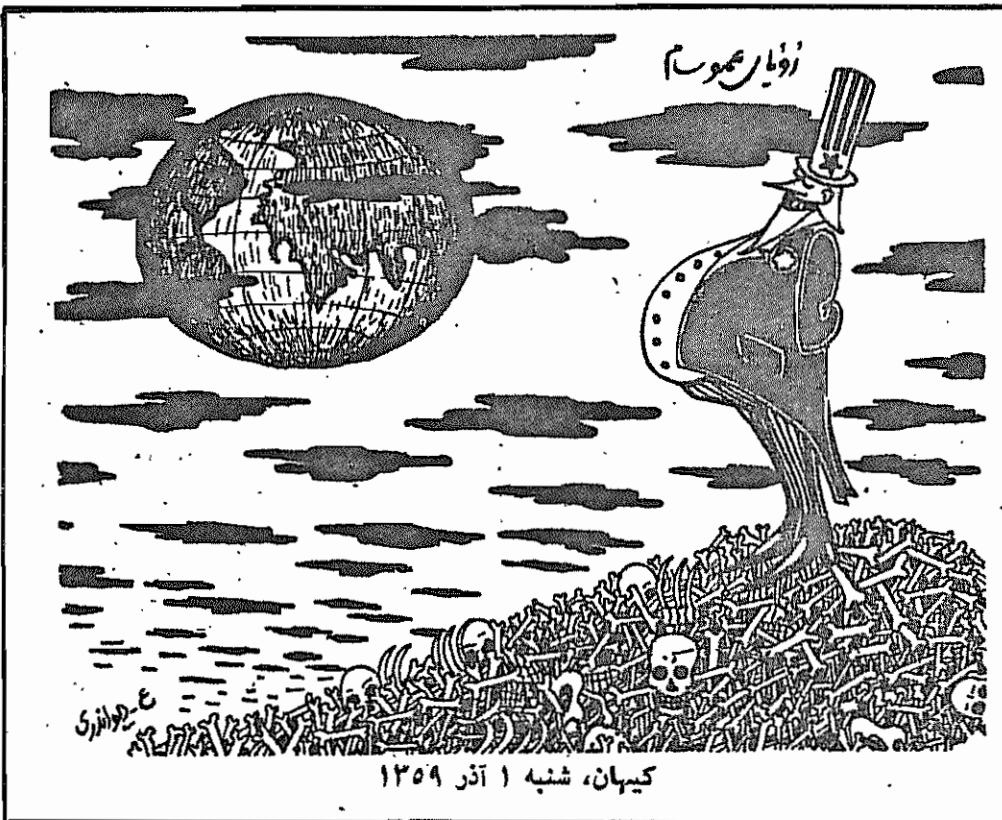
مجرور را به بیمارستان می‌رسانند. بی‌درنگ کسی از سنگر توده‌ای‌ها برخاست، رگباری نثار دشمن کرد و غران خود را به مجروح رساند، او رفیق حجت بود که چنان بیباک به خانه مرگ میرفت. مرگ آنجا بود، همانجا. پیوسته از دهان مسلسل‌ها بیرون می‌آمد. دشمن هدیه‌ای غیر از مرگ نداشت. رفیق حجت مسلسلش را حمایت کرد، مصدوم را، که فریاد میزد: «الله اکبر، خمینی رهبر» به شانه انداخت و دوید. دوید، دوید و ناگهان ایستاد. قطعه‌ای از یک گلوله (آر.بی.جی. ۹۰) بر پیکر قهرمانش زهر مرگ ریخته بود. رفیق حجت زانو زد. اما برخاست. مصدوم روز بر شانه‌اش بود. خواست راه بیفتد. قدمی بقیه در صفحه ۷

رفیق مبارز دیگری به تبار خونین توده‌ای‌ها پیوست. رفیق قهرمان دیگری جان خویش را نثار انقلاب و آرمان حزب طبقه کارگر کرد. ظهر ۲۷ مهر ماه ۱۳۵۹، خونین شهر در دود و خون می‌گریید. یورش مزدوران صدامی - دژخیمان امپریالیسم آمریکا به شهر شدت یافته بود. رزمندگان خلق در سنگرها می‌رزمیدند. زیر آسمان تفرزه خونین شهر، بانگ خلقی که از انقلاب خویش، از خاک خویش، از خانه خویش، با ذره ذره خویش دفاع می‌کرد، توفان کرده بود. پاسدار، ارتشی، توده‌ای، داوطلبان همه و همه بازو در بازو، با فریاد: مرگ بر آمریکا، دود بر خمینی، به پیشواز مرگ می‌رفتند، تا چکه‌های خونین دژخیم خاک وطن

در صفحات بعد
تخصص یا ایمان انقلابی؟
صفحه ۲

تحکیم مناسبات دوستانه با کشورهای عضو جبهه پایداری، سیاسی است لازم و درست
صفحه ۳

استراتژی هسته‌ای جدید آمریکا، کشور - های در حال رشد را با خطری جدی روبرو میکند
صفحه ۸



کیهان، شنبه ۱ آذر ۱۳۵۹

اسلام امریکائی...

بقیه از صفحه ۱

روی صحنه می آید، که انورسادات با پیگیری و قبحانه، تباری ضد - فلسطینی «کمپ دیوید» را در پشت صحنه ادامه میدهد. سادات بجای آنکه به خواست دیرینه و حقه خلق های عرب و مسلمان، مبنی بر تحکیم اتحاد و مبارزه ضد - امپریالیستی - ضد صیونیستی و تقویت جنبه همبستگی با مردم فلسطین پاسخ گوید، با بزرگترین دشمنان این خلق هـا، یعنی امپریالیسم جهانخوار آمریکا و صیونیست های اسرائیلی به توطئه می نشیند. او از یکسو نمایندگان سازمان آزادیبخش فلسطین را از مصر اخراج میکند و از سوی دیگر زمامداران ارتجاعی و صیونیستی اسرائیل را با آغوش باز در کشورش می پذیرد.

گروه های «جامعه خلق های عرب و مسلمان» همچنین تلاش مذبحخانه دیکریست برای مقابله با اسلام آمریکائی با اسلام انقلابی امام خمینی، اما همانگونه که «عربیت» صدام حسین نتوانست خلق ها و دولتهای مترقی عرب را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تجزین کند و مسلمان نمایی ضیاعالحق نیز پس از چندی نجره آمریکایی خود را نشان داد، خیمه شب بازی «جامعه خلق های عرب و مسلمان» انورسادات نیز نه خلق های عرب را خواهد فریفت و نه مسلمانان راستین را.

پس از جنگ تحمیلی داروسته صدام حسین، بیان دیدیم که کشورهای «جبهه پایداری عرب، از جمله الجزایر، سوریه و لیبی، بیدرنک در کنار ایران انقلابی و جمهوری اسلامی ایران و علیه صدام «مسلمان» و «عرب» موضع فاطمانه گرفتند. و حالا نیز همین کشورهای عرب و مسلمان، از جمله کشورهای قاهره بار دیگر در ماندگی و انزوای پیروان اسلام آمریکائی را در جبهه مبارزه ضد امپریالیستی راستین خلق های عرب و مسلمان منطقه شمت رسانند.

میکند. این نیروی عظیم انقلابی مردم همواره توانا و توانگر تر میشود. و این ضامن پیروزی است.

ما - بنابراین - در جنگ با ارتش مزدور صدام چنانیکار پیروز خواهیم شد. پیروزی نظامی نیز مانند پیروزی سیاسی نصیب ما خواهد شد. این ششمین توطئه آمریکا مانند توطئه های پنجگانه قبلی اش عقیم خواهد شد. صدام بدون یافتن «دم»، با دو گوش بریده، مجبور به ترک ایران خواهد شد. انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از این کوره آزمایش نیز ابدیده تر و سر بلندتر بدر خواهد آمد.

ولی با شکست نظامی صدام، امریکا دست از ایران بر نخواهد داشت. امپریالیسم چپاولگر و تجاوزگر امریکا در وجود ایران چیز کم اهمیتی را کم نکرده است که بتواند از آن باین سادگیها صرف نظر کند. ایران برای امپریالیسم آمریکا، یعنی میدان غارت ثروت افسانه ای عظیمی که تالی ندارد. ایران برای امپریالیسم آمریکا، یعنی یک پایگاه فوق العاده مهم و بی بدلی سیاسی - نظامی برای برقراری کنترل جهانی خود در منطقه وسیعی که از غرب آسیا تا شرق آفریقا، یعنی تمام منطقه نفت - خیزی که حیات امپریالیسم بدان بستگی دارد، گسترده شده است.

ایران برای امپریالیسم آمریکا، یعنی پایگاه نظامی عظیمی در تئوری که با اتحاد شوروی ۲۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارد. ایران برای آمریکا - خلاصه - از لحاظ اقتصادی - نظامی سیاسی تئوری است با اهمیتی بی همتا، و بنابر این آمریکا از هیچ توطئه و جنایتی برای بازپس گرفتن ایران فروگذار نخواهد کرد.

پس، از آنچه گفته شد، این نتیجه بدست می آید: شکست نظامی صدام مانند شکست سیاسی او قطعاً بدست خواهد آمد. ولی نبرد با آمریکا ادامه خواهد داشت و برای مدت درازی ادامه خواهد داشت. ما برای این نبرد درازمدت باید همه جانبه آماده شویم، تا بتوانیم پیروزی قطعی و نهائی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را تأمین و تضمین کنیم.

کنک حتمی است. از نظر تناسب نیروهای صرفاً نظامی محاسبه غلط نبود. اما قدرت مقاومت خلق یکپارچه بپاخاسته در نظر گرفته نمیشد و نمیتوانست بشود. «مغز» امپریالیسم از محاسبه عامل توانائی خلق عاجز است.

بهین دلیل دست تجاوزگر مسلح آمریکا، که از آستین صدام بیرون آمد، به هدف سیاسی خود، که براندازی جمهوری اسلامی ایران بود، نرسید. صدام (بخوان آمریکا) شکست خورد و پیروز شدیم. انقلاب و جمهوری اسلامی ایران توانا تر و مستحکمتر از پیش از تهاجم نظامی صدام شد. باقی مانده است شکست نظامی صدام و پیروزی نظامی جمهوری اسلامی ایران. این پیروزی نیز قطعاً بدست خواهد آمد، بهمان دلیل که در جبهه جنگ، در یکطرف، طرف صدام، خلق حضور ندارد و در طرف دیگر، طرف ایران، خلق، مسموم و استوار حضور دارد.

این حضور فعال خلق در جنگ (چه در جبهه و چه در پشت جبهه) باعث توانائی روزافزون نیروهای مسلح زرمند در برابر مهاجم است. این حضور فعال، به نسبتی که یکپارچه تر باشد، نیرومندتر و نیروبخش تر است، و بهمان نسبت پیروزی نظامی بردشمن متجاوز سریعتر و کوبنده تر خواهد بود. پس باید یکپارچگی خلق و حضور فعال او را در جبهه و پشت جبهه، همچون مردمک چشم حفظ کرد و صفوف خلق انقلابی را فشرده تر و فشرده تر ساخت. از این روست که هر عملی که در میان مردم تفرقه بیفکند، قطع نظر از اینکه عمداً و یا سهواً اجرا گردد، کمکی است به دشمن، عملی است ضد انقلابی.

تجربه ۲۲ ماهی که از پیروزی انقلاب میگذرد، بوضوح نشان میدهد که هر عمل ضد انقلابی، چه دانسته و چه ندانسته انجام گیرد، با واکنش توده های میلیونی برای حفظ انقلاب و دستاوردهای آن روبرو میشود. خلق همین توده های میلیونی هستند که جانانه و صادقانه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع

شکست صدام...

بقیه از صفحه ۱

و نیز محتاج قطعات یدکی و در نتیجه فاقد قدرت جنگی است. ضدانقلاب متشکل فعال است و پنبه ضدانقلاب یا قوه توانگر، و از سوی دیگر مردم نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران یا ناراضی اند و یا بی تفاوت، ضمن اینکه هیئت رهبری ایران دچار کشمکش و اختلاف است. پس، بر مبنای این محاسبات - انقلاب و جمهوری اسلامی ایران آسیب پذیر شده است و اگر ضربه سختی، بصورت تجاوز نظامی ناگهانی، بر آن وارد آید، درهم فرو خواهد ریخت، یا انجام یک کودتای ضد انقلابی. امکان پذیر خواهد بود و یا حداقل بسهولت در منطقه ای از خاک ایران، که بسرعت اشغال خواهد شد، یک «ایران آزادی» با حکومت یک «بختیاری» بوجود خواهد آمد، که این «ایران آزادی» به کمک «قانونی» و «علنی» «عموم» رژیم جمهوری اسلامی ایران راهم چون «راحت الحلقوم» خواهد بلعید. بر مبنای این محاسبات ششمین توطئه آمریکائی تجاوز نظامی ناگهانی داروسته صدام به کشور ما آغاز شد، ولی شکست خورد. در برابر چشمان حیرت زده امپریالیسم یانکی و کارگزار عراقیش، مردم ایران یک تپه برای مقابله با دشمن متجاوز بپاخاستند. مشکلات موجود را متحمل شدند، بگرد امام خمینی یکپارچه حلقه زدند، معلوم شد که غیر از ارتش، خلق انقلابی بصورت پاسداران و داوطلبان، دارای رزمندگان از جان گذشته ایست که میتوانند حساسه های بیافرینند. معلوم شد که ارتش قدرت رزمی بیشتری کسب کرده است و می تواند دلیرانه مقاومت کند. معلوم شد که هر شهر و روستا یک پادگان مقاومت است. سیل کمک از همه جای ایران بسوی جبهه جنگ روان شد، و معلوم شد که پشت جبهه استوار و نیرومند و فعال و متحد است.

بدبختی امپریالیسم و بطور کلی ارتجاع در این است که، در «مغز» او دستگامی برای محاسبه توانائی خلق ها تعبیه نشده است. امپریالیسم و دست نشانده گانش هیچگاه نتوانسته اند، نمیتوانند نخواهند توانست، خلق و قدرت خلق را به حساب آورند و در محاسبات خود وارد کنند. در هر جنگی، عامل سر نوشت - ساز، نیروی مردمی است و امپریالیسم نمیتواند توانائی این عامل را بپیند و در محاسبات خود وارد کند. در جنگ رهائی بخش الجزایر، در جنگ رهائی بخش یمن جنوبی، در جنگ های رهائی بخش آنکولا و موزامبیک، در جنگ صحرا، در جنگ رودزیا (زیمبابوه) در هیچ جنگی عامل توانائی خلق بپاخاسته در

محاسبات امپریالیسم اسارتگر وارد نشد و نمیتوانست وارد شود. در جنگ ویتنام بارها و بارها فرماندهی نظامی آمریکا و سازمان «سیا» گزارشهای اطمینان بخشی به پنتاگون و کاخ سفید فرستادند، که اگر مثلاً ۳۰ هزار نفر دیگر نیروی کمکی به میدان جنگ اعزام شود، ظرف ۴ ماه دیگر، ۶ ماه دیگر، پیروزی بر دست

پایاد شهید عسکر دانش به شهیدان زنده رزم آوران جنگ میهنی

پیام

سیاهی آسترشد بام سرخ آرزوها را بسنگر آمدی، شب از میان برخاست رفیقا! همراها! در آتش قلبت نگهبان دل ما باش درفش سرنوشت عشق ما را خوش به بازو گیر کمرگاهی مست صعب و دشمنان غدار هلا! هشیار!

به خونین شهر و آبادان چراغ و چشم ایران باش تفنگت را به غرش آرز و سرکن نمه پیکار

وطن بی تاب، آستن، به خون غلطان سیاوش وار از آذر گذرکن هان! به تعمیدی دگر نوزاد فردا باش شتاب آورا! گدازان شو! برومند و جوان تمثیل میهن باش به اردوی شرف سر باز جانبازی سر دار از برندت، سر بلندی سروسان می باش تو سیمرغی و ققنوسی عقاب دور پروازی به پرواز و به پویش باش نهال نازک فردای روشن را هم، ینک باغبان غنچه های ترد رویش باش جهان - مهر ماه ۵۹

پرونده سازی علیه...

بقیه از صفحه ۱

۳- روزنامه جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۵ آبانماه ۵۹ به نقل از حجت الاسلام محمد یزدی نماینده مردم قم، نوشت که حجت الاسلام یزدی در اجتماع مردم قم، در ارتباط با تظاهراتی که در قم بنفع قطب زاده انجام گرفته، گفته است: «آن کسیکه عضو حزب توده است، در این حرکت فعلا نه شرکت داشته!»

روزنامه «جمهوری اسلامی» در تاریخ ۲۶ آبانماه ۵۹ نیز به نقل از «رنجنامه کمیته امور صنفی» می نویسد: «دیدیم که در بازار اسلامی منافقین و توده های در حمایت از آزادی بیان شعار تفرقه سر میدادند!» دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران در تاریخ ۲۶ آبانماه ۵۹ ضمن آنکه اعلام کرد این اتهامات «حتی جدی هم نمیتواند تلقی شود»، آنرا قاطعانه تکذیب کرد.

۴- و سرانجام هاشم صباغیان، در ارتباط با هجوم به دفتر روزنامه «میزان»، توسط گروهی که خود را «جوانان جنوب شهر» نامیده بودند، اظهار داشته بود که:

«من اعتقاد دارم که اینها از طرف حزب توده و دیگر گروه های افراطی تحریک شده اند.» (کیهان، ۲۹ آبان ۵۹) دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، همانروز ایسن «اقترای زشت» را قاطعانه محکوم و بشدت تکذیب کرد و آنرا «یک تمهت، پرونده سازی و تحریک آشکار علیه حزب توده ایران» نامید.

متأسفانه علیرغم تکذیب مکرر و فوری این افتراهای ساختگی و زشت پرونده سازی علیه حزب توده ایران هنوز قطع نشده است، و تا سبب بارتر آنکه مسئولین امر تا بحال برای متوقف ساختن این پرونده سازیها و اعمال تفرقه آفرین و تحریک آمیز و تشنج زا، اقدامی جدی صورت نداده اند.

باید برای صدمین بار تکرار کرد که پرونده سازی علیه حزبی که صادقانه و با تمام قوا از بدو انقلاب، از دستاوردهای آن و جمهوری اسلامی ایران دفاع کرده است، اولاً عملی است که بیچوجه به مبارزه سیاسی شباهت ندارد، ثانیاً در شرایط پس حساس فعلی، که هر گونه تفرقه افکنی و تحریک، به اذعان همگان، مستقیماً به نفع امپریالیسم آمریکا و متجاوزین صدامی تمام میشود، اقدامی است به زیان انقلاب و بسود دشمنان آن، ثالثاً چنانکه تجربه نشان داده است - دود این گونه پرونده سازیها سرانجام بچشم خود پرونده سازان خواهد رفت، لذا عاقبت ندارد!

حزب توده ایران به پیروی از سخنان درد آلود اخیر امام خمینی و نیز به پیروی از مشی اصولی و انقلابی خود در تجمع تمامی قوا برای حفظ انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به این پرونده سازیها، تنها با تکذیب آنها، آنهم برای استحضار همگان، بر نورد می کند. او با بر مسئولین جمهوری اسلامی ایران، بویژه ستاد تبلیغات، شورای عالی دفاع است که قانون را برای همگان به یکسان مرعی دارند و پرونده سازان علیه حزب توده ایران را نیز، که افترا میزنند و تفرقه افکنی می کنند به رعایت موازین قانونی و اصول اخلاقی مکلف سازند.

تخصص یا ایمان انقلابی

جمهوری اسلامی ایران هستند. اگر بر شعاروق که مرکب از سه جز " و سه خواست است و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز تبلور یافته است، جزء و یا اجزای دیگری هم علاوه کنیم و آنها را بمانند علامت موهن بودن به انقلاب از کادرها بطلبیم، بدست خود بسیاری از دوستان انقلاب را رانده و امکانات فراوان انقلاب را هدر داده ایم. پس باید از کادری موهن من انقلابی، بدون پیشداوری و تبعیض و غیره ساخت و دل باز و از روی مهربانی و دلسوزی استفاده کامل کرد و بدین ترتیب جلو "فرار مغزها" را سد نمود.

۲- نوع دیگر متخصصین کشور، کسانی هستند که از عوامل فعال رژیم مغز پهلوی و همکاران او کارگزار مراکز امپریالیستی بوده اند. این گروه از متخصصین، جزو دشمنان فعال خلق و انقلاب هستند و نه تنها نباید کاری به آنها و اگذار کرد، بلکه باید آنها را به دست محازات سپرد.

۳- گروهی دیگر از متخصصین داریم که، آنها را "متادان" به اصول کشور داری طاغوت می نامیم. اینها گرفتاران معمول قورمولهای دوران وابستگی و طرز تفکر رژیم آریامهری هستند. اصطلاح "مغزها" یا آن فرمولها و طرز تفکر و روشها، کار غالب گرفته اند و مغزشان متحجر گشته است. اعمال و مواضع خلاف انقلابی آنها نه از قصد و درک و آگاهی، بلکه از آن مغز قالب گرفته شرح می کند و لذا آنها را نه ضد انقلابی، بلکه "غیر" لقبه در صفحه ۶

تلفیق نمود؟ تجربه انقلابی جهان به ما می آموزد که، نه متخصص فاقد ایمان انقلابی را می توان به طور سرپرست و درست بر رأس امور قرار داد و - تنها ایمان انقلابی فرد بدون تخصص می توان اکتفا و قناعت کرد. نه نظرها این مشکل را باید به طرق زیر حل کرد:

۱- در کشور ما بسیارند اشخاصی که هم تخصص دارند و هم ایمان انقلابی و باید در کمال اطمینان و احترام از این اشخاص استفاده کرد. ضمناً باید ایمان انقلابی را نیز به درستی معین سازیم و تشخیص دهیم. در مرحله کنونی تاریخ ایران، موهن من انقلابی آن کسی است که صرف نظر از تفاوت در مسلک و اعتقاد و جهان بینی، به شعار کبیر انقلاب یعنی: "استقلال، آزادی، جمهوری - اسلامی" ایمان داشته باشد. هر کسی که این شعار تاریخی را قبول داشته باشد و صادقانه از آن پیروی کند، موهن من انقلاب است. بیرون صندق این شعار را باید انقلابی شمرد و از تخصص آن ها استفاده کرد. اینها کادری متخصص و موهن من

ولی آن کشورها تا رسیدن به وضع کنونی، از بر چل بسیار حساس و دشوار بفرنج و بر مسئولیتی گذشته اند و در همه آن مرحله ها در مسئله "گزینه" کادرها این سؤال با تمام جدت خود مطرح بوده که: از تخصص و ایمان انقلابی - کدام یک باید ملاک عمده "گزینه" قرار گیرد؟ در آن کشورها همیشه پاسخ درست این سؤال را پیدا کرده و به موقع اجرا گذاشته اند.

بر اساس تجربه، خلق ها و حکم منطق باید گفت که:

در همه مراحل هر دو این خصیصه ها برای کادر مسئول ضرورت اجتناب ناپذیر دارد. ولی هنگامی که در یک کشور تازه از بند رسته بختی از کادری موهن رژیم ضد انقلابی سرنگون شده، از ایمان انقلابی محروم و دوجانبه ضد انقلابی هستند، ولی اکثر افراد انقلابی و موهن من به راه خلق، نه علت آنکه در دوران رژیم سابق از امکان دست یابی به تخصص محروم بوده اند و لذا تخصص کافی و حتی هیچگونه تخصصی ندارند، چگونه می توان این مشکل را حل کرد و دو خصیصه را با هم تواءم و

در محافل مختلف و مطبوعات و رسانه ها بحث غالب و واجبی مطرح است. در محافل خصوصی دوستان و خانواده ها هم این بحث جریان دارد. موضوع بحث اینست که: برای یک مسئول دولتی یک کارمند دولتی، یک آموزگار و استاد، یک فرمانده و باسرباز و غیره، تخصص لازم تر است و یا ایمان؟ هنگام "گزینه" یک کادر باید روی تخصص او تکیه کرد و یا روی ایمان انقلابی؟

اغلب بحث ها به بن بست کشیده می شود، زیرا نه متخصصین ایمان بدردی می خورد و نه موهن منی که تخصص نداشته باشد از عهده انجام وظایف خود برمی آید. آنان که داشتن تخصص را شرط عمده تر می دانند، خود به خود در راهی می افتند که احتمال انحراف از هدف در آن فراوان و حتی قطعی است و کسانی که داشتن ایمان را شرط عمده تر محسوب می دارند، در سستی قرار می گیرند که نه به صورت دانسته، بلکه ندانسته، روند تکامل جامعه را کند می سازند و این می تواند در مدت زمان دراز و با کوتاه کار را به شکست برساند.

می توان به روشنی بی برد که این بحث خود به خود در جامعه ما مطرح نشده است. در ایران انقلاب بزرگی به وقوع پیوسته است. یک نظام وابسته ضد خلقی سرنگون گردیده و اکنون باید جامعه نو و نظام جدید انقلابی در کشور ما ایجاد گردد. و این کار به بسیاری از وسایل و اسباب از جمله به کادر نیازمند است. و اما این کادر جدید که باید معمار بنای ایران انقلابی نوین باشد، مختصاتش چیست؟ در اینجاست که دو شیوه، برخورد مذکور در فوق به میان می آید.

مثال های مشخص فراوانی مطرح می شود. مثلاً آیا این درست خواهد بود اگر یک مهندس دارای طرز تفکر ضد انقلابی را فقط به خاطر تخصص بودنش بر رأس یک پست مهم بگذاریم؟ یا برعکس این، آیا درست خواهد بود اگر یک نفر اسان انقلابی را، که چیز چندانی از مهندسی نمی داند، فقط به خاطر ایمانش به انقلاب، در پست یک مهندس قرار بدهیم؟

اگر این واقعیت را در نظر بگیریم که کشور، کادر متخصص بسیار کم دارد، مثال اول صورت حق به جانب به خود می گیرد و اگر این واقعیت دیگر را به یاد بیاوریم که اکثریت قریب به اتفاق کادری متخصص کشور، از میان نظام مغز آریامهری بیرون آمده اند و موروث آن نظام مغزورند، مثال دوم شان نزول خود را پیدا می کند. ولی وقتی توجه کنیم که ما هم تخریب نظام فاسد سابق و هم ساختمان نظام جدید انقلابی را به عهده داریم، آنگاه در برابر وظیفه بسیار مهمی قرار می گیریم، که آنهم روشن کردن سیاست کشور خود در باره "گزینه" کادرهاست.

آنان که داشتن تخصص را شرط عمده محسوب می دارند و ایمان را در درجه دوم اهمیت قرار می دهند، می توانند روزی از روزها بر مبنای همین "منطق"، حتی با گذاشتن "کارشناسان" کشورهای امپریالیستی نیز موافقت کنند و عمل شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" را کنار بگذارند و آنان که به تخصص اهمیت کمتر از ایمان می دهند، می توانند با کند کردن جریان رشد اقتصادی، علمی، فرهنگی و اجتماعی کشور، کار تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب و بازسازی و نو سازی کشور را با مشکلات فراوانی روبرو سازند. لذا در شرایط امروز که نبود تاریخی "که برکه" باشد، هر چه تمام تر در جریان است، طرفداری از نظریه مطلقیت تخصص، به معنای طرفداری از مسخ قهرقوانی انقلاب تظاهر می کند، و کوشش در جهت کاستن اهمیت تخصص، به معنای کوشش در جهت رکود کشور از پایداری می شود. عده ای هم هستند که این موضوع را نه به منظور یافت راه حل درست، بلکه برای تحمیل ورشکستگی سیاسی و تقاله های فاسد رژیم سابق به عنوان "کارشناس" و "متخصص" و غیره مطرح می سازند. تکلیف این افراد از هر لحاظ معلوم است.

در این میدان گیرودار نظریه های متباین و گاهی متضاد، باید توانست نظریه واقعی را، که با منافع کشور انقلابی، مطابقت دارد، به درستی پیدا کرد. اصل درست علمی و انقلابی در "گزینه" کادرها بر دو پایه هم وزن و هم اهمیت برقرار است و این دو پایه عبارتست از: ۱- بختی سیاسی - ایدئولوژیک انقلابی و ۲- تخصص و کاردانی و کارائی. در اصول اسلام انقلابی نیز از عالم بودن و متقی بودن سخن رفته است، که می توان آن را به معنای تخصص و ایمان انقلابی تفسیر و تفسیر کرد. در کشورهای که از انقلاب و رهائی آنها مدت زیادی گذشته، انقلاب پیروزی قطعی کسب کرده و نظام جدید انقلابی استقرار و ثبات کامل یافته و جامعه به قدر کافی کادری انقلابی خود را به وجود آورده و در مسیر رشد موزون و عادی قرار گرفته است، در "گزینه" کادرها به هر دو مشخصه مذکور، یعنی هم به تخصص و هم به ایمان انقلابی اهمیت یکسان می دهند و همه کادرها واجد این دو خصیصه هستند. یعنی هر کادر مسئولی را که برای کاری انتخاب می کنند، هم متخصص در آن کار است و هم به اصول انقلاب ایمان دارد. امکان اجرای یک چنین اصل درست علمی از آنجا پدیدار گشته است که در آن کشورها مذهب است که آموزش و تهیه کادر در مجرای انقلابی قرار گرفته و مهمتر از همه - خود محیط اجتماعی - اقتصادی داخلی آن کشورها طوری دگرگون و از بنیاد عوض شده که همه افراد خلق، بیش از هر مدرسه و دانشگاهی در داخل خود جامعه تربیت انقلابی، بیش انقلابی و ایمان انقلابی کسب می کنند.

تحکیم مناسبات دوستانه با کشورهای عضو جبهه پایداری، سیاستی است لازم و درست

با لیده است، از نخستین روزهای پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن به خصوص با آن برخاست. این عروسک دست پرورده امپریالیسم، که جبهه خوار و جاسوسی برای "سیا" را از افتخارات خود می شمرد و با صراحت اعتراف می کند، که در برابر دستمزدهای آمریکا، به سه حاسوسی، میبازد از "هدف" - ۱۳۲۹ (۵۹) نخستین سیاستمدار یک کشور "اسلامی" بود، که پس از آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، کمکت صدام حسین شناخت وی در مصاحبه ای در مرحله "فرانسوی" "پاری" ماجرا را اظهار داشت:

سپا سگزاریم... از سوی دیگر، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی گفته است (در گردهمایی مطبوعاتی هفتگی روز دوشنبه ۱۴ مهرماه ۵۹):

"ما با کشورهای بی مثل سوریه و الجزایر خیلی صمیمی هستیم. (ما) محرم اسرار هم دیگر هستیم." حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی همچنین در جلسه علنی مجلس در تاریخ ۱۸ آبان ۵۹، ضمن اشاره به سخنان گرم حافظ اسد در پشتیبانی از ایران، اظهار داشت:

"ما چنین انتظاری از افراد حق و داشتیم. تاکنون لیبی، سوریه و الجزایر که موقعیت انقلابی و اسلامی دارند، موضع خود را در رابطه با جنگ عراق با ایران معلوم کرده اند... ما نیازی به تشکر از برادران سوری، الجزایری، و لیبیائی نمی بینیم، زیرا آنها تشخیص داده اند، که دولتی را که در راه نابودی اسرائیل گام بر میدارد و در حقیقت راهش بر اهدا ف آن منطبق است تأیید کنند."

چنانکه سفیر الجزایر در ایران، در تشکر از رهبران انقلاب و مردم ایران در همدردی با مردم الجزایر پس از زلزله اخیر آن کشور، گفته است:

"ما (الجزایر) از نخستین کسانی بودیم که از انقلاب اسلامی ایران با خوشحالی استقبال کردیم و در تمام مراحل در کنار آن بودیم، معمر قذافی، رهبر لیبی، در پیام اخیر خود به سران کشورهای عربی حوزه خلیج فارس تأکید کرد:

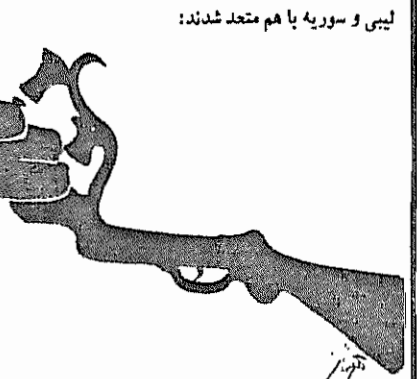
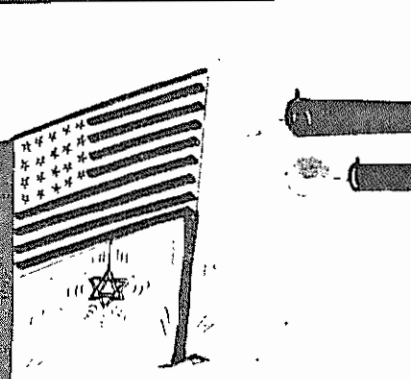
"با دیدن نبرد کنونی از ایسران پشتیبانی بعمل آورد و از رویا رویی با ایران، که تنها بیواید آمریکا است، دوری جست."

حافظ اسد، رئیس جمهور سوریه - چندی پیش (طی مراسم جشن فارغ التحصیلی گروهی از خیریه زان جنگی سوریه) گفت: بعنوان یک وظیفه وجدانسی و انسانی و اسلامی و عربی و انقلابی بار دیگر تأکید میکنم، که با یقین در پشت انقلاب اسلامی ایران باشیم و از آن حمایت کنیم."

از سوی دیگر، رژیم شاه اردن، که بارها به دوستی خود با محمد رضا پهلوی

لیبی و سوریه با هم متحد شدند:

لیبی و سوریه با هم متحد شدند:



در جنگ عاوانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم!

کارگران فرش و پتوی مازندران :

کارخانه سنگر ماست

تعطیل شدن هر کارخانه خواست دشمن است

در کارخانه فرش و پتوی مازندران (فرش شمال) ۸ دستگاه ماشین بافتگی وجود دارد که تاکنون ۵ دستگاه آن را نصب کرده و به کار انداخته اند و سه دستگاه دیگر نیز در حال منتظر و نصب است. چندین نفر مالکیت این کارخانه را در دست دارند و با یکدیگر شریکند.

مواد اولیه کارخانه از بلژیک تامین میشود و کارخانه در حال حاضر با کمبود مواد اولیه مواجه است. کارخانه در حدود هزار نفر کارگر دارد که ۱۱ نفر از آنها زن هستند.

اینک چندی است که کارخانه به وسیله صاحب کارخانه تعطیل شده و از ورود کارگران ممانعت بعمل آمده است. در ارتباط با تعطیل شدن کارخانه نماینده کارفرما چندتن از کارگران را متهم به «اخلال» و «کم کاری» در کارخانه کرد و چنین گفت:

چند تا از کارگرها از بیرون تامین می شوند و کارگران را به کم کاری تحریک و تشویق می کنند. خربین بار اینها خواستند انجمن اسلامی تشکیل بدهند. روز موعود دیدیم چندین نفر از قاشمشهر و ساری آمده اند و می خواهند وارد کارخانه شوند. چند نفر از آنها که کارت داشتند، آمدند و ولی حدود ده نفر که از ساری و از کانون انجمن های اسلامی آمده بودند، کارت

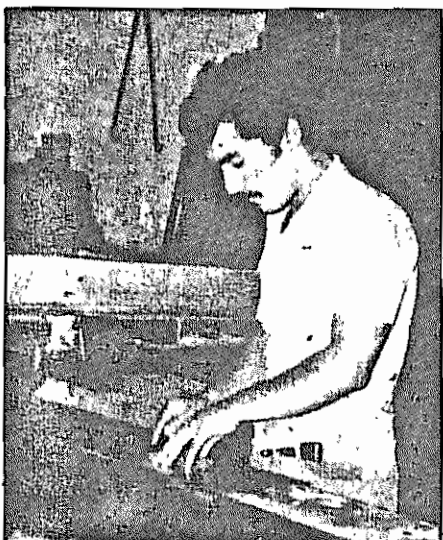
به مقامات مسئول باید کارخانه ها و مراکز تولیدی را که در امر تولید اخلال می کنند و بر نارضایتی ها دامن می زنند، مصادره کنند و به نفع انقلاب بکار گیرند

نداشتند، راه شان ندادیم. آنها هم نگهبان را کتک زدند. حاجی (صاحب کارخانه) مرد مو منی است. حاجی گفت: «انجمن باید زیر نظر روحانیت تشکیل شود. من خودم حقوق یک روحانی را هم میدهم تا هفته ای پنج روز برای شما آموزش اسلامی بدهد». ولی کارگران زیر بار نرفتند. حاجی در همین جریان صدوپنجاه هزار تومان به جنگ زده ها کمک کرده است. یکی از کارگران دیگران را تحریک کرده و می گوید این کارفرما دزد است شما کمک کنید من خودم فرشها را میفروشم، نصف آنرا به شما میدهم و نصف دیگرش را به کارفرما. ولی آنها به حرفهای او هم توجهی نکردند. فرما ندارد گفته از دست من کاری ساخته نیست و کار را به وزارت کشور اجازه کرد. اینها یک مشت کارگر دهاتی هستند و عقشان را داده اند دست چند نفری که از بیرون تامین می شوند. اینها حتی کارشناسان بلژیکی را که برای نصب و مونتاژ دستگاهها آمده بودند، با تف بیرون کردند.

کارگران نیز در این مورد حرفهایی داشتند. آنها گفتند:

«آنها مانی که حاجی میزند. کاملاً بی اساس است. ما تحریک نشده ایم و کم کاری هم نکرده ایم. ما میخواستیم انجمن اسلامی تشکیل بدهیم، تا هم سطح تولید را بالا ببریم و هم به دردهای خودمان برسیم و هم آموزش ببینیم. برای تشکیل انجمن از نهادهای انقلابی دعوت کردیم تا ناظر انتخابات باشند. ما جلسه را طوری ترتیب دادیم تا کارگران دو شیفت بتوانند در آن شرکت کنند. در نتیجه جلسه سه ساعت طول کشید و مانع از کار کارگران شد. در جلسه انتخابات نماینده کارفرما به حالت اعتراض جلسه را ترک کرد. ولی ما انتخابات را انجام دادیم. فردای آنروز، هنگامیکه به کارخانه آمدیم، با در بسته مواجه شدیم. حاجی در را بسته بود و اعلامیه ای نصب کرده و گفته بود: چون امنیت جانی برای کارگران وجود ندارد، از ادامه کار فعلاً جلوگیری می شود. با بسته شدن کارخانه حرف ما اینست: کارخانه سنگر ماست و در این موقعیت جنگی ما میخواهیم در سنگر بمانیم و تولید

کارگران کارگاههای سازنده مصنوعات فلزی تبریز: ما می خواهیم همه جا دست دولت را ببینیم



جواد همتی - کارگر - کارگاه همتی: تداوم انقلاب تا پیروزی

زحمتکشان ایرانی که بحق، پیروزی انقلاب را سرآغاز تحقق خواستهای تاریخی خویش میدانند، با جان و دل خواهان پیشرفت و تعمیق انقلاب هستند و در این راه، بیش از هر طبقه و قشر اجتماعی، سنگینی بار مصائب و سختیها را تحمل کرده اند و اکنون نیز که توطئه های امریکایی لحظاتی حساس و خطرناکی را برای حیات و سلامت انقلاب بوجود آورده، بیش از سایر نیروهای اجتماعی به خشم آمده و جانانه تر از آنها به مقابله برمیخیزند. کارگران کارگاههای سازنده مصنوعات فلزی تبریز نیز در کار و زندگی روزانه خویش با مشکلات زیادی روبرو میشوند. این مشکلات از توان آنها برای تحکیم بنیه اقتصادی کشور، تا آنجا که بدانها مربوط است و همچنین از سلامت معنوی انقلاب میگذرد. کارگران رفع این مشکلات را با هشیاری و آگاهی فراوان در رابطه با حفظ دستاوردهای انقلاب خواستار میشوند. یکی از کارگران این کارگاهها میگوید:

«هدف ما از ذکر نارسائیها و مشکلات ابتدا «کلیه از انقلاب نیست، بلکه ما خواهان حل مشکلات به نفع انقلاب و پیروزی انقلاب بردشمنان از جمله سرمایه داران بزرگ و واسطه ها و تداوم بیوقفه جریان انقلاب هستیم».

و بی شک حل مشکلات و برآوردن خواستهای این کارگران حاصلی جز

مواد اولیه و دیگری واسطه های فروش هستند. اگر دولت بر کار آنها، حداقل واردکنندگان مواد اولیه نظارت نکند، آنها ما را به خاک سیاه می نشانند. واردکنندگان به هرکاری دست میزنند: ثقلب ما حتکا رگرانی. جواد همتی ادامه میدهد: «ما میخواهیم در درجه اول خود دولت واردکننده باشد، فعلاً دولت با یستی نظارت شدید بر کاروا ردکنندگان،



کارگران کارگاه «معملزاده»:

واردکنندگان مواد اولیه، واسطه ها و سرمایه داران ما را بخاک سیاه نشانده اند!

شادابی و تحکیم پایه های انقلاب نخواهد داشت. کارگران چه میخواهند و چه میگویند؟ «قربان»، مسئول کارگاه محمدزاده، واقع در خیابان کمربندی از گرانی مواد اولیه از جمله: ورق و سیم برنج میگوید و این گرانی را ناشی از احتکار و اجحافات واسطه ها و واردکنندگان این مواد میداند. «براهیم»، مسئول کارگاه «همتی»، واقع در محله زنگوله باغ در باره کمبود و گرانی مواد اولیه چنین میگوید:

«اجناس به اندازه ۵ سال در انبارها موجود هستند ولی واسطه ها و سرمایه داران محتکر به منظور گرانی اجناس خود، آنها را احتکار میکنند.» «جواد همتی» از کارگران همین کارگاه میگوید:

«درد، بسته شدن دریک کارخانه به نفع ضدانقلاب نیست؟ کارگران قهرمان و انقلابی مین

ما خوشبختانه نقش عظیم خود را به درستی درک می کنند و به همین علت با وجود نارسائیهای موجود در محیط کار خواهان حضور پیکر خود در کارخانه این سنگر مبارزه و جهاد علیه امپریالیسم آمریکا و تجاوزگران صدامی هستند. مسئولین امر باید هرچه زودتر در کارخانه فرش شمال را به روی کارگران بازکنند تا جلوی سوءاستفاده ضدانقلاب گرفته شود.

داشته باشد. از اتحادیه میپرسیم، میگوید: «کم بضاعت های صنفا میبندی ندارند. به نظر من برای بهبود کارها دولت خود باید مشوق اصناف برای تشکیل اتحادیه باشد.» جواد در پایان میگوید: «خلاصه اینکه هرکسی هرکسی و قانون جنگل حاکم نباشد که منظورش فعال مایشائی سرمایه داران بواسطه ها است: دولت باید همه جا باشد. ما میخواهیم همه جا دست دولت را ببینیم.» اهمیت و درستی این سخن را شرایط جنگ تحمیلی صدام ثابت کرده است. برای حفظ و تثبیت دستاوردهای انقلاب و تعمیق و تضمین تداوم آن به خواست های بحق این زحمتکشان جامعه عمل ببوشانیم. و درنبرده علیه توطئه امریکائی و تجاوزنظامی دشمن هم جبهه و هم پشت جبهه را بسیج نمائیم.

طبقه کارگرایان در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است

گذری به کاروانسراهای دروازه اصفهان - شیراز

مهمترین مشکلات روستائیان در ده، کمبود زمین، نبودن برق و بهداشت و کمبود مواد غذایی است
دهقانان خواستار خرید محصولاتشان توسط دولت یا نرخ عادلانه هستند و همگی از اصلاحات ارضی حمایت می-کنند و آماده دفاع از میهن انقلابی در برابر تجاوز آمریکائی صدام هستند

خیابان بازار نو از شلوغترین خیابانهای شیراز و محل تجمع بیکاران و دستفروشان است. جمعیت زیادی، که اکثر آنها روستائیانند، در حال خرید لوازم ضروری زندگی هستند. نیمی از خیابان را دکها و دستفروشها اشغال کرده اند و عبور وسایله نقلیه به سختی صورت میگیرد. در این محل، که بازار خرید روستائیان است، کاروانسرا-های متعددی وجود دارد، که دهقانان شب را به سختی در آنها به صبح میرسانند. کاروانسراهای «تیجه گله داری» و «سرای حاج مهران» از آن جمله اند.
در «تیجه گله داری» از مسافرین نفری ۶ تومان برای یک شبانه روز میگیرند و در سرای «حاج مهران» ۲ تومان. کاروانسرا از یک حیاط و تعداد زیادی اتاق در اطراف آن تشکیل شده است. مسافران گروه، گروه در حیاط کنار هم نسته اند. با آنها صحبت می کنیم.
مرادقلی میگوید:

«من اهل شهرستان داراب و کشاورز هستم. برای فروش هندوانه به شهر آمده ام. دولت قیمت آنرا کیلویی ۱۶ ریال اعلام کرده است، ولی دلایلهای میدان کیلویی ۸ ریال میخرند و بعد خود کیلویی ۳۵ ریال میفروشند. ما از دولت خواستار قطع دست واسطه ها و دلالتان از بازار می باشیم. دولت باید خود، محصول ما را به قیمت خوب خریداری کند.»

حسینقلی ادامه میدهد:
«برای رسیدگی به کار مردم باید انقلابی عمل کرد، برای مبارزه با گرانفروشی، ارزاق عمومی باید زیر نظر دولت بفروش برسد و حتما دست واسطه ها کوتاه شود.»

مرادقلی راجع به مشکلات ده میگوید:
«ده ما برق ندارد و هنوز اصلاحات ارضی صورت نگرفته است. فئودالهای محل در رژیم سابق در دستگاه دولتی نفوذ داشتند و زمینها را به اسم خود ثبت کردند. ما در محل خود بر علیه فئودالها مبارزه کردیم ولی حتماسفاته هنوز در ادارات دست دارند. اداره ها انقلابی که نیستند، طاغوتی هم باقی مانده اند.»

علی، دهقان دیگری که اهل بندرعباس است، درباره مشکلات خود میگوید:
«بزرگترین مشکل کشاورز درو گندم است. یکعده سرمایه دار سوجدو، تعداد زیادی کبابین خریدند و ۱۸٪ محصول را بابت درو میگیرند، و اگر محصول کشاورزی خوب نباشد، برای درو هر هکتار زمین، ۵۰۰ تومان میگیرند و این برای کشاورزان گمراه کننده است. باید کبابین را از دست سرمایه داران خارج کرد.»

روستائیان مشکلات زیادی را مطرح کردند و راهحلهایی هم پیشنهاد کرده اند: خرید محصول توسط دولت، انجام اصلاحات ارضی، دولتی کردن کبابین سرمایه داران بزرگ، تغییر سیستم ادارات، مهمترین تقاضاهای دهقانان و راهنمایی برای مسئولین است.

و اما مشکلات روستائیان در شهر - محمد روستایی فارس نظر میدهد که:
«مسافر خانه ها (کاروانسراها) در درجه اول بهداشت و نظافت ندارند. هر یک نفر شبانه روز ۶ تومان کرایه می دهد و در گرمای تابستان ماندن در این اطاقها سخت است.»

وی در ادامه سخن خود می گوید:
«من کارگرم و از اصلاحات استاد رضا اصفهانی و فرمایشات امام پشتیبانی میکنم، من روزانه ۵۰ تومان مزد می گیرم، ولی نیمی از یکماه را بیکار می مانم.»
«دولتون دار (دلالتان) کاروانسرا شروع به صحبت میکند:

«از روستای «داریون» به شهر آمده ام، چون در ده زمین و زراعت نداشتم، برای فعلگی به شهر آمده ام. ماهی ۱۵۰۰ تومان میگیرم و خانواده ام در ده است.»

علی، سرایدار کاروانسرای «غلامرضا پوست فروش» است و میگوید:
«از کودکی از ده به شهر آمده ام و نزد صاحب گاراژ بودم. یکسال است که به من حقوقم را نداده و در صدد اخراج من از کار است.»

جوبیا پر از کثافت و لجن است و بوی آن زننده. کوچه پس کوچهها مرکز معادها شده است. خیابانها را دکها و دستفروشها سد کرده اند. در بین آنها عده زیادی افغانی است و اکثرا دزد و قاچاقچی هستند. عده زیادی از اهالی روستاها، که بعلت سیاست خانه خراب کن سابق به شهرها آمده اند، در سخت ترین شرایط بسر می برند. به نظر همگی، واگذاری زمین به دهقانان و اصلاحات بنیادی در روستاها باعث جذب این بیکاران و آوارگان به روستاها می شود.

اجرای سریع قانون واگذاری زمین و کوتاه کردن دست واسطه ها، خرید محصول و تامین وسایل درو و کشت مهمترین خواست دهقانان و بهترین وسیله برای اجرای فرمان امام خمینی دایر به جهاد کشاورزی و تولید هر چه بیشتر محصولات غذایی است.

دهقانان حامی انقلاب و مدافع جمهوری اسلامی ایران هستند. آنها که استخوان بندی اصلی ارتش بیست میلیونی را تشکیل میدهند، آمادگی خود را برای شرکت در نبرد علیه دارودسته صدام و توطئه آمریکا اعلام کرده اند. دهقانان زحمتکش عملا، چه در جبهه و چه در پشت جبهه، در سنگر و در کشتزار، فعالانه و فداکارانه شرکت میکنند. وظیفه انقلابی مسئولان دولتی است که زمینه را برای این مشارکت، با اقدامات و تدابیر خود در حل مسئله زمین و تامین وسایل کار و کشت، فراهم آورند. باید خواسته های حقه دهقانان زحمتکش را، که همان نیازهای جامعه ماست، برآورده ساخت، تا انقلاب ما مستحکم تر شود و دشمن بزانو درآید.

دهقانان قاسم آباد، علیرغم تمام مشکلات حاضرند برای مقابله با جنگ تعمیلی هر چه بیشتر کشت کنند.

شورای ده کمک رسانی به جبهه را سازمان می دهد

روستای قاسم آباد در ۲۴ کیلومتری جنوب شرقی مشهد، در جاده سرخس واقع است. جمعیت روستا در حدود ۲۴ خانوار یا ۱۰۰ نفر است. اکثریت روستائیان را کشاورزان بی زمین و کم زمین تشکیل می دهند. کل زمینهای ده حدود ۱۲۰۰ هکتار است. زمینهای قابل کشت روستا ۳۲۴ هکتار آبی و ۵۰۰ هکتار ردیمی است. در این روستا فقط ۱۸ دهقان، نفری حدود ۳ هکتار زمین دارند. بقیه دهقانان بابت زمینهای کشتی خود هم عسرو هم اجاره پرداخت می کنند. مالک بزرگ ده سوسیله ایادی خود در این روستا و روستاهای مجاور به ظلم و ستم علیه دهقانان زحمتکش مشغول است. عمال ارباب جواختنا ق شدیدی در روستاهای این منطقه بوجود آورده اند. از روستائیان حق حساب و باج می گیرند، زمینها را با زور تصرف می کنند و مانع جرای احشام دیگران می شوند. روستائیان از آب برای کشاورزی آب آشامیدنی و حمام محرومند. پس از حمله نا جوانمردانه رژیم جنایتکار صدام حسین به خاک میهن عزیز ما، روستائیان زحمتکش قاسم آباد، آمادگی خود را برای دفاع از وطن و انقلاب بزرگ خود اعلام کرده اند. روستائیان می گویند:

«ما حاضریم هر چه در توان داریم کشت کنیم، تا مردم مینهن ما از لحاظ آذوقه در کمبود قرار نگیرند. ما از مصرف گندم زمستان خود کم کنیم، تا برادرانمان در جبهه تامین باشند.»
با کمک و همکاری این روستائیان حدود ۲۰۰ کیلوگندم و ۱۵۰۰۰ ریال وجه نقد جمع آوری گردیده، تا به وسیله شورای ده به «ستاد کت رسانی به مناطق جنگ زده کشور» واقع در جبهه ساندگی مشهد رسانده شود.
هم اکنون که عوامل امپریالیسم آمریکا به کشور ما، بمنظور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران و نابودی انقلاب هجوم آورده اند و روستائیان و دهقانان زحمتکش با شورا احساسات زاید الوصفی به دفاع از انقلاب و میهن خود پرداخته اند، جای آن دارد که مقامات مسئول هر چه زودتر به وضع این روستا رسیدگی کنند و دست عوامل توطئه را از سر این زحمتکشان کوتاه گردانند و فئودالهای خون آشام و ضد انقلاب را در هم کوبند. تا این کوخ نشینان به راحتی بتوانند در تمام صحنه های نبرد (جبهه و پشت جبهه) علیه امپریالیسم و عوامل داخلی و خارجی آن بستیزند.
هیئت های هفت نفری پیام آور تحکیم انقلاب در پشت جبهه هستند. هم اکنون که با ردیکریه ضرورت اجرای قانون اصلاحات ارضی تاکید شده است و امام خمینی نیز نظر هیئت فقها را تأیید کرده اند و توطئه خرابکارانه و ضد انقلابی مالکان با اخطا رشدیدوزیر کشاورزی بر ملا شده، لازم است که سرعاً هیئت های هفت نفری کارواگذاری زمین را آغاز کنند و دهقانان را در تحکیم پشت جبهه یاری رسانند و بزرگ مالکی را از بین ببرند و زمینه را برای جهاد کشت و تولید بیشتر آماده سازند.

بزرگ مالکان روستای میدانک در اثر عدم اجرای قانون اصلاحات ارضی طلبکار هم شده اند!

روستای میدانک کوچک، از توابع فریدونشهر اصفهان، روستائی کوهستانی است. آب و هوای منطقه بسیار سرد و مقدار بارندگی فراوان است. این روستا زمین موات و بایر بسیار زیادی دارد. خاک پر قوت و پر بار دارد، ولی بخاطر عدم وجود چاه کافی در منطقه، زمینها کشت نمی شوند. حتی از نظر آب آشامیدنی، منطقه در تابستان، بسا کمبود مواجه میشود. بعلت سرمای سوزان در زمستان و فقدان راه ارتباطی با شهر، هر ساله بیم آن میرود که گاو و گوسفندها و حیوانات موجود در ده با خطر کرسنگی و یخزدگی از بین بروند. در این روستا بیش از صد خانوار ساکن هستند. مردم منطقه اصلا گریزی ندارند. کمبود آب، فقدان برق، اب لوله کشی، راه ارتباطی سالم با شهر، مدرسه راهنمایی، دبیرستان، غسلخانه، شرکت تعاونی، درمانگاه و بهداشتی، کتابخانه و ... از اهم مشکلات روستائیان است. خانه های مسکونی آنقدر رست دیوار هستند که اهالی

در هر زمستان وحشت دارند که سقششان بر سرشان خراب شود. اکثریت مردم روستا بی-سوادند و در زمینهای مالک و شرکاءه نصفه کاره و حتی با سهم ۱/۳ کار می کنند. مالکین این روستا و روستای همجوارش (میدانک بزرگ) دست هم داده و سعی میکنند، تا آنجا که ممکن است از تقسیم زمینها جلوگیری کنند و برای اینکه حتی شکایتی تنظیم و به هیئت واگذاری زمین تسلیم کرده اند. همچنین این مالکین اجازه کشت به کشاورزان منطقه نمی دهند. کشاورزان نیاز زیادی به واگذاری فوری زمین و واگذاری دام، ماشین آلات کشاورزی، بذر و کود و غیره دارند. بزرگ مالکان، که پایگاه عمده امپریالیسم آمریکادر روستاها هستند و بزرگترین آرزوی آنان شکست انقلاب است، در راه تحقق آرزوی خود به هر حيله ای متوسل میشوند. آنها وقاحت و پرویی را به جانی رسانده اند که

اخبار دهقانی

خواست اهالی روستای «ناوند» و «دولت آباد» که جلوگیری از خرابکاری فئودال و گرفتن آب چشمه از دهقانان است، در نامه «مردم» قبلا انتشار یافته است. اعضای شورای ده نیز خواستار رفع ظلم شده اند و منتظر پاسخ مسئولان امور هستند، تا در جهاد کشاورزی و تولید هر چه بیشتر فعالانه شرکت کنند.

رادیو ساری اعلام کرد که هیئت واگذاری زمین در استان مازندران از کلیه کسانی که در مناطق به شهر و ساری و قائم شهر و تنکابن زمین زراعی دارند، خواسته است که آنها را به باغ تبدیل کنند و یاد آن تاسیسات ایجاد نکنند. این اخطار بدنیال سوء استفاده زمینداران بزرگ منطقه صورت گرفته، باز هم بخیال آن که زمان طاغوت است، می خواهد فراری از قانون اصلاحات ارضی برای خود دست و پا کنند. غافل از آنکه آن سبب شکست و آن پیمان ریخته اینک مردم انقلابی ما خواستار لغای نظام فئودالی و ستم و بهره کشی هستند و خوشبختانه افراد متعهد و مسئول در مقامات دولتی هشیارانه متوجه ظاهرسازیها و دوزوکلک های بزرگ مالکان هستند. خود دهقانان نیز باید بیدار باشند و کلیه موارد تخطی را به هیئت ۷ نفری گزارش دهند.

هیئت واگذاری زمین در استان مازندران، تا پایان ۲۵ آبان ماه ۵۹ به کشاورزان و ارگانهای صاحب زمین فرصت داده بود، تا زمینهای بایر و موات را به زیر کشت ببرند در غیر اینصورت جهاد سازندگی راسا اقدام به این کار خواهد کرد. حالا که فرصت تمام شده، در پرتو فرمان امام خمینی در مورد جهاد کشاورزی و ضرورت کشت هر چه بیشتر و تولید هر چه فراوانتر، درستی این تصمیم کاملا نمایان می شود. در این اراضی میتوان بصورت مشاع و بشکل تعاونی، امور کشت و داشت و برداشت را سازمان داد و زیر نظر جهاد سازندگی، تولید را به خود دهقانان زحمتکش

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

تعمیق مبارزه ضد امپریالیستی، راه را برای تشکیل جبهه متحد خلق هموار خواهد کرد

نورالدین کیانوری (۲) «پرسش و پاسخ»

جلسه نوبتی «پرسش و پاسخ» در تاریخ ۸ آبان ماه ۱۳۵۹ تشکیل شد. رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران به پرسشهای طرح شده در این جلسه پاسخ گفت.
بخش اول این «پرسش و پاسخ» در شماره دیروز بجای رسید. بخش دوم در این شماره و بقیه در شماره های آینده درج می گردد.

س: آیا حزب با آزاد کردن گروگان ها طبق شرایطی که امام خمینی تعیین کرده است، موافق است؟

ج: ما همیشه گفته ایم که به نظر ما مسئله «گروگان ها» اصلا مسئله عمده انقلاب ایران است و نه مسئله عمده مناسبات ایران با دنیای امپریالیستی مسئله عمده امپریالیسم در مورد انقلاب ایران این است که می خواهد انقلاب ایران را از بین ببرد. حالا اگر در این راه، نه فقط ۲۵ «گروگان» بلکه صد هزار آمریکایی هم کشته شوند، باز از این سمت گیری و هدف گیری، دست بردار نخواهد بود. جریان ویتنام این جانب از اهمیت امپریالیسم را نشان داد. در ویتنام نه «گروگان» وجود داشت و نه هیچ بهانه دیگری امپریالیسم آمریکا با تمام قوای خودش خواست جمهوری دموکراتیک خلق ویتنام را در شمال ویتنام از بین ببرد. و برای این کار رژیم خائن دست شانده خود را در جنوب ویتنام تقویت کرد و یک ارتش یک میلیونی در آن جا به وجود آورد. علاوه بر این، یک نیروی ۶۰۰ هزار نفری هم از ارتش خودش برد آن جا و تمام سلاح های مدرن غیرهستهای خود را در آن جا به کار انداخت. این ماجراجویی نزدیک به ۸۰ تا ۱۰۰ هزار کشته و قریب ۱۵۰ هزار زخمی آمریکایی به بار آورد و در حدود دو بیست میلیارد دلار خرج برداشت و آخرش هم امپریالیسم آمریکا با سنگ و رسوایی عقب نشینی کرد و از خاک ویتنام قهرمان بیرون رفت و نه فقط نتوانست جمهوری دموکراتیک ویتنام را از بین ببرد، بلکه مجبور شد ویتنام جنوبی را هم دو دستی تقدیم انقلابیون ویتنام کند که جمهوری سوسیالیستی سراسر ویتنام را برقرار ساختند. بعدش هم لااوس و کامبوج از حیثه نفوذش بیرون رفت، تمام نوکرهایش در آن جا یکی بعد از دیگری غربال شدند. خوب، در ایران هم ممکن است ما با چنین جریان روبرو شویم. یعنی برای امپریالیسم آمریکا مسئله «گروگان ها» اصلا کوچک ترین اهمیتی ندارد. آمریکا از مسئله «گروگان ها» فقط برای انجام نقشه های استفاده تبلیغاتی کرده است. خوب، برای ۵۴ تا ۶۰ «گروگان» تا نا جنگی می آورند در خلیج فارس که چه کارش کنند؟ برای هر «گروگان» بیش از یک نا جنگی آورده اند، ۱۵۰۰ هواپیما آورده اند. بیست هزار تنگنادر دریایی آورده اند. آیا این ها همه اش برای ۵۴ تا ۶۰ «گروگان» است؟! این مسخره ای بیش نیست. امپریالیسم آمریکا از مسئله «گروگان ها» استفاده کرده است تا نیروهای عظیمی را در منطقه خلیج فارس متمرکز سازد و هدف اصلی اش هم عبارت است از حفظ منافع خود در این منطقه حیاتی و مهم استراتژیک در مقابل خطری که انقلاب ایران با ایجاد جمهوری اسلامی ایران، با خط سیاسی عمیقاً ضد امپریالیستی و عمیقاً خلقی امام خمینی برای پایگاه های

استراتژیک و هدف های غارت گرانه اش ایجاد کرده است. حالا اگر «گروگان ها» نبودند، خوب، یک بهانه دیگری پیدا می کرد. ما می بینیم که این ها تاکنون از چند عامل استفاده کرده اند: یکی «خطر کمونیسم» و این که شوروی می خواهد به آب های گرم راه یابد. بعد مسئله افغانستان و این که شوروی از راه افغانستان می خواهد تمام مناطق نفت خیز خلیج فارس را بگیرد، بعد مسئله «گروگان ها» حالا هم تجاوز عراق به ایران را راه انداخته اند. هیچ یک از این ها با هم ارتباط ماهوی ندارند، بلکه فقط وسیله ای هستند برای آمریکا که تعداد کشتی های جنگی اش را در دریای عمان و خلیج فارس زیادتر کند، نیروهای خودش را به مصر و عربستان سعودی و اسرائیل بفرستد، آواکس بفرستد، خلاصه جبهه خطرناکی ایجاد کند، حتی با این اعلام که ما می رویم به طرف یک جنگ جهانی با استفاده از سلاح های هسته ای در خاور میانه. آری، یک چنین دستوری را به عنوان مسئله روز در مقابل ارتش آمریکا می گذارند. خوب، به این ترتیب ما می بینیم که مسئله «گروگان ها» یک مسئله فرعی است، و صفا همان طور که ما از همان آغاز گفته بودیم، این اصلاً «گروگان گیری» نیست، بلکه جاسوس گیری است، این یک مرکز توطئه بود که مردم ایران منحل کرده اند، چون نمایندگی سیاسی، یک مطلب است و مرکز توطئه مطلب دیگر. حال اگر یک نمایندگی سیاسی حداقل به جمع آوری خبرهای معمولی اکتفا کند، خوب، می توان گفت که این در عرف تمام نمایندگی های سیاسی دنیا است. ولی وقتی این «نمایندگی سیاسی» در کشوری که مردمش انقلاب کرده اند، علیه آن انقلاب روزنامه راه اندازد، با افراد برای مقاصد جاسوسی رابطه برقرار کند، برای کودتا تدارک ببیند، این دیگر نمایندگی سیاسی نیست، بلکه مرکز توطئه ضد انقلابی است. به همین جهت بود که از همان روز اول، بدون لحظه ای تاخیر، مسئله ضرورت خنثی کردن مرکز توطئه ضد انقلاب را در ایران مطرح کردیم و کاملاً هم به حق بود. جنبش انقلابی ایران هم با عمل بسیار بجا و بسیار شجاعانه و انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام برای نشان دادن چهره واقعی رژیم امپریالیسم آمریکا، و این که آمریکا برای از بین بردن استقلال و حاکمیت کشورها به چه شیوه هایی دست می زند و چگونه عمل می کند، در این یک سال اخیر تمام اقدامات ممکن و لازم را به کار برده است. شرایطی که امام برای حل مسئله «گروگان ها» از روز اول مطرح کرده و شرایطی است کاملاً عادلانه و مجلس شورای اسلامی هم به زودی آن را به صورت نهایی اش تصویب و اعلام خواهد کرد. امپریالیسم آمریکا باید لااقل یک بار مجبور شود به تبهکاری هایی که همیشه علیه استقلال ما مرتکب شده است، در مقابل مردم دنیا اعتراف کند. این یک خواست به جا و کاملاً عادلانه است. دولت آمریکا باید ببیند که دیگر علیه حاکمیت ایران توطئه نکند. امپریالیسم آمریکا پس از انحلال مرکز توطئه جاسوسی اش، یک سلسله فشارهایی به انقلاب ایران وارد آورده، دارای ایران را ضبط کرده، محاصره اقتصادی کرده، کشورهای اروپای غربی و متحدین خودش را وادار به محاصره اقتصادی کرده، پول های ایران را ضبط کرده، سفارش هایی را که به آمریکا، فرانسه، آلمان غربی، انگلستان داده شده، کشتی ها و

تخصیص

بقیه از صفحه ۳
انقلابی می نامیم.
این گروه قابل استفاده هستند، ولی به چند شرط:
شرط اول، سپردن کار به آنها تحت نظارت ارگان های انقلابی است. بدون چنین نظارتی، سپردن کارهای مسئولیت دار به اینگونه کادرها به هیچ وجه جایز نیست. اینگونه کادرها را باید بطور منظم و برحسب نتایج مشخص فعالیت و کار آنها، مورد بازرسی قرار داد، با دلسوزی و مهربانی به آنها راهنمایی و کمک کرد و اگر بدرند نخوردند باید آنها را تغییر داد.
شرط دوم، کار مداوم تربیتی و تجدید تربیتی انقلابی با این افراد است. یعنی باید در جریان کار، به کمک دلسوزانه و برادرانه همان ارگان های نظارت انقلابی و به کمک خود همین افراد، آنها را به مثابه یک انسان بازسازی و نوسازی کرد. شرط سوم اینست که هرگز نباید امکان داد که این نوع کادرها تسلط خود و هم نوعان را بر موهبت های و با آذره ای و بیانه ای برقرار کنند. خلاصه نظر، اینست که هم تخصص و هم ایمان به یک اندازه حائز اهمیت است. در گروه اول که هم تخصص و هم ایمان وجود دارد،

تکلیف روشن است. در گروه دوم که ضد انقلابی است، باز تکلیف روشن است. و در گروه سوم که تخصص دارد، ولی ضد انقلابی نیست و در ضمن ایمان انقلابی هم ندارد، باید با برقراری نظارت ارگان های انقلابی، تخصص آنان را با ایمان ایشان تکمیل و به تدریج و در نهایت صبر و تحمل و مدارا و هشیاری کوشید تا این گروه کادرها نیز به راه انقلاب و خلق در آیند و از اسارت بینش های ضد خلقی رژیم گذشته خلاص شوند.
در حالات استثنایی که تلفیق این دو خصلت در یک شخص و یا برقراری نظارت انقلابی امکان پذیر نیست و میان تخصص و ایمان فقط یکی را باید انتخاب کرد - در چنین حالاتی باید به خصلت ایمان انقلابی و تعهد انقلابی ترجیح داد، زیرا ایمان و تعهد انقلابی، می تواند ضربه به نهادهای انقلابی را خنثی سازد و در مدت زمان معین نقیصه عدم تخصص را جبران کند.
و سرانجام نکته ای که از نظر آینده انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از همه مهمتر است، تربیت کادر نوین انقلابی است. با انقلاب فرهنگی که باید با محتوای ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب ما منطبق باشد، انقلاب می باید طبق یک برنامه سنجیده علمی، به بهترین و سریع ترین شکل کادرهای خود را تربیت کند. فقط در چنین صورتی است که می توان به مرحله ای رسید که دیگر طرح سؤال تخصص یا ایمان انقلابی، زائد گردد، زمانی که، کادر متخصصی انقلابی به اندازه کافی خواهیم داشت.

نمایشگاه دکامی در افشای جنایات رژیم بعثی عراق



همزمان با تهاجم نظامی رژیم بعثی عراق از طرف اعضاء و هواداران حزب توده ایران در مشهد نمایشگاهی بنام دکامی در افشای جنایات رژیم بعثی عراق در این شهر دایر شد. در این نمایشگاه از جنایات و فداکاریهای خلق به خواسته ایران، پاسداران و نیروهای مسلح در جنگ و از پیکار کمونیستی و نیروهای دمکرات عراق علیه رژیم بعثی و اتحاد یکپارچه خلق ایران پوسترها و تصاویر و نوشته های آگاه کننده و پرشوری نمایش گذاشته شده بود که مورد استقبال مردم قرار گرفت.

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت ها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلالان و محترکراست

برقراری هر چه زودتر مناسبات دیپلماتیک با جمهوری دمکراتیک خلق یمن بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایرانست

جمهوری دمکراتیک خلق یمن از دیرباز یار متحد و وفادار خلقهای رزمنده ایران بوده است. جمهوری دمکراتیک خلق یمن بارها پشتیبانی خود را از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در عمل نشان داده است.

تجاوز نظامی دارودسته خائن صدام حسین به ایران، که به تحریک امپریالیسم امریکا، به منظور براندازی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته، بار دیگر مرز میان دوستان و دشمنان واقعی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را، چه در منطقه و چه در سطح جهانی، مشخصتر کرد. کشورهای جبهه پایداری، الجزایر، لیبی، سوریه، جمهوری دمکراتیک خلق یمن و سازمان آزادیبخش فلسطین، که خود آماج نقشه‌های تجاوزی و توطئه‌های امپریالیسم امریکا و دستیار آن دولت صهیونیستی اسرائیل و دیگر رژیمهای دست‌نشانده امریکا در منطقه هستند، همچنانکه از نخستین روز پیروزی انقلاب، پشتیبانی همه‌جانبه خود را از جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده‌اند، پس از تهاجم نظامی جنایتکارانه دارودسته صدام خائن به ایران، بدافع از جمهوری اسلامی ایران برخاستند، تجاوزکار را محکوم کردند و برای هرگونه کمک به جمهوری اسلامی ایران اعلام آمادگی کردند.

جمهوری دمکراتیک خلق یمن در زمان رژیم شاه ملعون قاطعانه علیه سیاستهای ضد مردمی دست‌نشاندهگان امریکائی در منطقه موضعگیری کرد، جنایات شاه علیه انقلابیون ایران و نیز سرکوب جنبشهای آزادیبخش در منطقه را توسط ارتش مزدور شاه محکوم می‌کرد، به انواع راهها به انقلابیون ایران در مبارزه‌شان علیه رژیم شاه ملعون یاری میرساند و از مبارزات آنان دفاع میکرد. بخاطر همین دفاع پرشور از مبارزات مردم ایران در راه کسب استقلال و آزادی و اعتراض به سیاستهای ضد خلقی رژیم دست‌نشانده شاه ملعون بود که جمهوری دمکراتیک خلق یمن آماج توطئه رژیم سفاک شاه معدوم قرار گرفته بود. جمهوری دمکراتیک خلق یمن بلافاصله پس از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران بطور قاطع، صریح و روشن به دفاع از آن برخاست. این کشور با تأکید بر عظمت و نقش تعیین‌کننده‌ای که انقلاب ایران بر رشد جنبشهای رهایی‌بخش در سراسر منطقه و برهم خوردن تعادل نیروها در سطح منطقه و جهان بنفع نیروهای انقلابی و آزادیبخش گذاشته است، پیروزی انقلاب ایران را سربهای قاطع بر پیکر امپریالیسم امریکا و متحدینش در منطقه ارزیابی کرد و با تمام قوا به حمایت از آن پرداخت. در همین زمینه صالح محمد صالح، وزیر امور خارجه جمهوری دمکراتیک خلق یمن، در مصاحبه با روزنامه النهار، درباره دولت انقلابی ایران می‌گوید: «ما خواهان برقراری روابط حسنه میان ایران و خلقهای عرب براساس تفاهم متقابل و مبارزه مشترک علیه امپریالیسم و صهیونیسم هستیم.» (۱۷ مهر ۵۸)

جمهوری دمکراتیک خلق یمن پشتیبانی از انقلاب ایران را در مجامع بین‌المللی و در تماسهای دیپلماتیک با مقامات کشورهای دیگر نیز دنبال کرده است. در ۲۹ آبان ۵۸، در پایان دیدار هیات حزبی و دولتی جمهوری دمکراتیک آلمان از جمهوری دمکراتیک خلق یمن، دو کشور طی بیانه مشترکی از انقلاب رهاییبخش ایران حمایت کردند. در اعلامیه مشترک دو هیات آمده بود: «انقلاب ایران به حکومت جابرانه شاه مخلوع پایان داد و بدین ترتیب ایران دیگر نقش ژاندارم منطقه را، که برای کشور تحمیل شده بود، بازی نمیکند.»

در ۲۹ دی ۵۸، علی احمد ناصر انتظار، وزیر دفاع این کشور، در مجلس ضیافتی در آدیس آبابا، پایتخت اتیوپی، گفت: «همه نیروهای صلحدوست باید با قاطعیت تمام در مقابل دسائس امپریالیسم، که هدف آن لطمه زدن به انقلاب افغانستان و انقلاب ایران است مقاومت ورزند...»

یمن دمکراتیک، که یکی از فعالین جنبش پایداری خلق عرب است، در چارچوب فعالیتهای جبهه پایداری علیه تجاوزات رژیم مزدور صهیونیستی اسرائیل به حقوق خلقهای عرب، که بدستور و با نقشه امپریالیسم امریکا صورت می‌گرفت و میگردد، دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را پیگیرانه دنبال می‌کند. کنفرانس سران کشورهای این جبهه، یعنی سران جمهوری لیبی، سوریه، جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر، جمهوری دمکراتیک خلق یمن و سازمان آزادیبخش فلسطین، که در روز ۲۴ فروردین ۵۹ در طرابلس تشکیل شده بود، پشتیبانی همه‌جانبه دول خود را از انقلاب مردم ایران اعلام کردند. در این کنفرانس تلاشهای امپریالیسم امریکا برای تحریم اقتصادی و مداخله نظامی علیه ایران بشدت محکوم شد. سران این کشورها همچنین درباره تأکید عمومی مبارزه و هم‌آهنگی اقدامات و تشریک مساعی علیه توطئه‌های مصر و اسرائیل، که با پشتیبانی امپریالیسم امریکا صورت می‌گیرد، بحث و گفتگو کردند. علی‌ناصر محمد، نخست‌وزیر جمهوری دمکراتیک خلق یمن، در یک دیدار رسمی با حافظ اسد، رئیس‌جمهوری سوریه، ضمن بحث در مورد لزوم تقویت جبهه پایداری، قاطعانه سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم امریکا در خاورمیانه و نزدیک راه، که متوجه کشورهای مستقل منطقه از جمله ایران است، محکوم کرد. علی‌ناصر محمد در دیدار دیگری که با یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین و نیز با رهبران جبهه دمکراتیک خلق برای آزادی فلسطین داشت، لزوم درهم شکستن توطئه‌های امپریالیستی

پیکرانه از انقلاب ایران در مقابل دسیسه‌ها و تجاوزات امپریالیسم امریکا و متحدینش حمایت می‌کرد، پس از تجاوز نظامی امریکا به ایران، این عمل را بشدت محکوم کرد و بانگ دفاع از ایران را در جهان طنین‌انداز کرد. از جمله در سمینار بین‌المللی جوانان و دانشجویان دمکرات، که از تاریخ ۲۲ تا ۲۵ اردیبهشت ۵۹ در عدن برگزار شد، علی‌ناصر محمد، صدر شورای وزیران جمهوری دمکراتیک خلق یمن، طی نطقی در مورد تجاوز علیه جمهوری اسلامی ایران گفت:

«امپریالیسم امریکا سالهاست در منطقه به خرابکاری مشغول است... اخیراً جبهانیان خبر جنایت وحشیانه امپریالیسم امریکا علیه مردم ایران را شنیدند. توطئه‌های امپریالیسم امریکا علیه پیروزمند ایران منجر به انجام چنین عمل احمقانه‌ای شد، عملی که از سوی یمن دمکراتیک و همه خلقهای آزادی‌دوست و همه نیرو-هی صلحدوست در سراسر جهان بمثابة یک خطر جدی برای مناسبات بین‌المللی محکوم گردید. ما معتقدیم که پیروزی کبیر مردم ایران و افغانستان در سرنگونی رژیمهای ضد خلقی و استقرار حاکمیت مردم، یک پیروزی واقعی برای صلح در منطقه است. ولی امپریالیسم امریکا این پیروزی را تهدیدی برای سلطه استعماری خود می‌داند. امپریالیسم و ارتجاع بین‌المللی پس از پیروزی انقلاب ایران و افغانستان با نقاب اسلامی به میدان آمدند و به تکرار افسانه «خطر شوروی» پرداخته‌اند. عوام‌فریبی‌ای که ماهیت آن برای همه خلقهای منطقه روشن است.»

در بیانیه مشترک اتحاد شوروی و جمهوری دمکراتیک خلق یمن، که بدنبال تجاوز نظامی امپریالیسم امریکا به ایران انتشار یافت، دوطرفه‌گانه با تحریکات نظامی و فشارهای سیاسی-اقتصادی علیه ایران مخالفت کردند و عملیات نظامی تجاوزکارانه امریکا در سرزمین ایران را بعنوان اقدام خشونت‌آمیز و نقض حاکمیت یک کشور مستقل محکوم نمودند. همچنین نماینده جمهوری دمکراتیک خلق یمن در کنفرانس بین‌المللی بررسی جنایات امریکا در ایران به جهانیان اعلام کرد:

«موقفیت‌های مداوم انقلاب ایران، امریکا را به انجام اقدامات جنون‌آمیز واداشته است، به حدی که آنها به عملیات نظامی رسوای خود در کویر لوت دست زدند، به این خیال خام که این ملت بزرگ را به‌زانو درآورند اما ملت ایران برهبری امام‌خميني پاسخ دادند- شکی به این تجاوزات گستاخانه‌دار... ما در جمهوری دمکراتیک خلق یمن بیشترین احترام را برای انقلاب ایران قائلیم.»

به این ترتیب جمهوری دمکراتیک خلق یمن نشان داده که یار مطمئن و حامی راستین انقلاب ایران است و برای هرگونه همکاری با جمهوری اسلامی ایران در تمام زمینه‌ها آمادگی دارد و از داشتن روابط نزدیک با جمهوری اسلامی ایران استقبال می‌کند. این کشور در کنار کشورهای دیگر انقلابی منطقه در جبهه پایداری خلق عرب، که در گلب مبارزه‌های همه‌جانبه با امپریالیسم امریکا و اسرائیل غاصب و جنایتکار است، بخوبی به نقش عظیم پیروزی انقلاب ایران در سطح منطقه و جهان واقف است و از همین روست که این چنین به دفاع از انقلاب ما پرداخته است. در تمام لحظاتی که انقلاب ما با دشواریهای بزرگ و کوچک روبرو بود - بعنوان مثال در هنگام تجاوز نظامی امریکا در طیس - جمهوری دمکراتیک خلق یمن آمادگی خود را برای کمک به جمهوری اسلامی ایران ابراز داشت. هنگام یورش همه‌جانبه نظامی-سیاسی دارودسته صدام، که بدستور و تحریک امپریالیسم امریکا و جهت براندازی جمهوری اسلامی ایران انجام گرفت، جمهوری دمکراتیک خلق یمن، به‌سراهی سوریه، لیبی، الجزایر در جبهه پایداری خلق عرب بدافع از انقلاب ایران پرداخت و آمادگی خود را برای همکاری با انقلاب ایران مجدداً اعلام کرد. رهبران جبهه پایداری به رابطه مستقیم جنگ تجاوزی رژیم جنایتکار صدام علیه جمهوری اسلامی ایران با توطئه‌های امپریالیسم امریکا علیه میهن ما و توطئه و نقشه‌های تجاوزکارانه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، و دولت صهیونیستی اسرائیل علیه کشورهای مستقل ملی و همه نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیستی در این منطقه بخوبی واقف و نگران بی‌آمدهای خطرناک این توطئه‌هستند. اتحاد و همبستگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عضو این جبهه و نیز با سازمان آزادیبخش فلسطین در پیروزی قطعی و نهایی انقلاب ایران و شکست توطئه‌های تجاوزکارانه امپریالیسم و ارتجاع علیه خلقهای منطقه نقش مهمی بازی می‌کند. جمهوری اسلامی ایران با ایستای با شناخت دوستان انقلاب خود در سطح جهان صف متشکل و مستحکم در مقابل دسائس امپریالیسم ایجاد کند و با نیروی عظیم و بالقوای که در تمامی جهان بطور یکپارچه به دفاع از انقلاب ایران برخاسته‌اند، روابط نزدیک و صمیمانه‌ای برقرار کند، تا بتواند این نیروی عظیم را برای تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب به خدمت گیرد.

در این میان داشتن روابط نزدیک و مناسبات دیپلماتیک با کشورهای انقلابی منطقه و از آنجمله کشورهای که از دیرباز، یعنی از زمانیکه نطفه‌های مبارزه علیه رژیم دست‌نشانده و جنایتکار شاه معدوم شکل می‌گرفت، به دفاع و حمایت از مبارزین انقلابی ایران پرداختند، اهمیت بیشتری دارد. جمهوری دمکراتیک خلق یمن از جمله این کشورهاست. منافع جمهوری اسلامی ایران می‌طلبد که روابط جمهوری اسلامی ایران با کشور انقلابی و دوست، جمهوری دمکراتیک خلق یمن هرچه بیشتر گسترش یابد. بگذار اتحاد

رفیق قهرمان...

بقیه از صفحه ۱
برداشت، ولسی باز درغلطید. لحظه‌ای بعد، رزمندگان دیگری به کمک آمدند و رفیق حجت را بر سر دست گرفتند. اوچشمانش را باز کرد و گفت: فکر من نباشید. فکر آن برادر مسلمان مجروح باشید. او را به بیمارستان برسانید.
رفیق حجت جهان را به روشنی تمام میدید. از میان غبار و آتش و خون به میهمانی مرگ میرفت و میدانست چرا می‌رود. در راه فریاد میزد:
- زنده بود حزب توده ایران!
- مرگ بر آمریکا!
- من افتخار می‌کنم توده‌های هستم!

- زنده بود حزب قهرمان من...! در بیمارستان معلوم شد که گلوله دشمن قامت رفیق را از هم دریده است. در همان لحظات اول برای جلوگیری از گسترش سوختگی سفسر، یک دست چپ و ۳ انگشت رفیق را قطع کردند.

پای چپش هم شکسته و قطعه‌ای از گلوله در زیر شش او خانه کرده بود. با اینهمه رفیق سرشار از عشق و نیرو بود. چشمانش می‌خندید. وقتی رفقا به دیدارش رفتند و گفتند:
- رفیق حجت ما به تو افتخار می‌کنیم...

حجت لبخند شیرینی زد و گفت: «ما به حزب پرافتخارمان، ما به حزب توده ایران، به حزب روزه و تیزابی، به حزب سیامک و وارطان افتخار می‌کنیم. ما به اینکه در راه آرمان زحمتکشان می‌روئیم، افتخار می‌کنیم.»
رفیق، وقتی دید مادرش می‌گریه، گفت:
«گریه نکن مادر. بخند. بخند مادر. مرگ ما بهائی است که برای آزاد کردن وطن از یوغ امپریالیسم می‌پردازیم. مرگ من مرگ ما، خود آن زنده‌گشت که پرچم آزادی زحمتکشان را بر بام جهان برمی‌افرازد.»
بعد خندید:
«اما... من نمی‌میرم مادر. من زنده می‌مانم و دوباره به جبهه برمی‌گردم.»
ولی رفیق حجت در سحرگاه روز اول آبان ۱۳۵۹ چشم بر این جهان فروبست و در حالیکه با آخرین نیروی حیاتش زمزمه

«حجت مال مردم بود. مال عقیده‌اش بود. مال حزبی بود. او به همان راهی که میخواست، رفت. او در جنگ بسا دشمن خارجی برای دفاع از وطن شهید شد. من به شما و به حجت افتخار می‌کنم.»
و اکنون رفیق حجت، با قافله شهدای توده‌ای در راهت، قافله‌ای که شقایق و آزادی به قله تاریخ میبرد.
و اکنون توده‌ای راه رفیق شهید خود را بی‌لحظ‌ای درنگ، تا نابودی دشمن اصلی خلقهای جهان شیطان بزرگ - آمریکا ادامه می‌دهند.

رفیق حجت ما به تو افتخار می‌کنیم...
حجت لبخند شیرینی زد و گفت: «ما به حزب پرافتخارمان، ما به حزب توده ایران، به حزب روزه و تیزابی، به حزب سیامک و وارطان افتخار می‌کنیم. ما به اینکه در راه آرمان زحمتکشان می‌روئیم، افتخار می‌کنیم.»
رفیق، وقتی دید مادرش می‌گریه، گفت:
«گریه نکن مادر. بخند. بخند مادر. مرگ ما بهائی است که برای آزاد کردن وطن از یوغ امپریالیسم می‌پردازیم. مرگ من مرگ ما، خود آن زنده‌گشت که پرچم آزادی زحمتکشان را بر بام جهان برمی‌افرازد.»
بعد خندید:
«اما... من نمی‌میرم مادر. من زنده می‌مانم و دوباره به جبهه برمی‌گردم.»
ولی رفیق حجت در سحرگاه روز اول آبان ۱۳۵۹ چشم بر این جهان فروبست و در حالیکه با آخرین نیروی حیاتش زمزمه

«حجت مال مردم بود. مال عقیده‌اش بود. مال حزبی بود. او به همان راهی که میخواست، رفت. او در جنگ بسا دشمن خارجی برای دفاع از وطن شهید شد. من به شما و به حجت افتخار می‌کنم.»
و اکنون رفیق حجت، با قافله شهدای توده‌ای در راهت، قافله‌ای که شقایق و آزادی به قله تاریخ میبرد.
و اکنون توده‌ای راه رفیق شهید خود را بی‌لحظ‌ای درنگ، تا نابودی دشمن اصلی خلقهای جهان شیطان بزرگ - آمریکا ادامه می‌دهند.

رفیق حجت ما به تو افتخار می‌کنیم...
حجت لبخند شیرینی زد و گفت: «ما به حزب پرافتخارمان، ما به حزب توده ایران، به حزب روزه و تیزابی، به حزب سیامک و وارطان افتخار می‌کنیم. ما به اینکه در راه آرمان زحمتکشان می‌روئیم، افتخار می‌کنیم.»
رفیق، وقتی دید مادرش می‌گریه، گفت:
«گریه نکن مادر. بخند. بخند مادر. مرگ ما بهائی است که برای آزاد کردن وطن از یوغ امپریالیسم می‌پردازیم. مرگ من مرگ ما، خود آن زنده‌گشت که پرچم آزادی زحمتکشان را بر بام جهان برمی‌افرازد.»
بعد خندید:
«اما... من نمی‌میرم مادر. من زنده می‌مانم و دوباره به جبهه برمی‌گردم.»
ولی رفیق حجت در سحرگاه روز اول آبان ۱۳۵۹ چشم بر این جهان فروبست و در حالیکه با آخرین نیروی حیاتش زمزمه

می‌کرد:
مرگ بر آمریکا!
زنده باد حزب توده ایران!
جان خویش را نثار انقلاب و آرمانش کرد.

رفیق شهید حجت ذوالفقاری در سال ۱۳۳۹، در یک خانواده کرجی در آبادان بدنيا آمد. وی در سالهای ۵۴-۵۵ به مبارزات کارگران نفت آشنا شد و به فعالیت سیاسی پرداخت. او در محفل‌های بحث و گفت و گو و کتابخوانی شرکت می‌کرد و با اشتیاقی دربار رژیم شاه ملعون و انتقال آگاهی سیاسی به محیط زندگی خود، سهم خویش را به مبارزات توده‌ها آدا می‌کرد.

با آغاز انقلاب پرشکوه ایران، رفیق حجت توانست از نزدیک با فعالیت گروههای سیاسی آشنا شود و در استانه پیروزی انقلاب، در آذرماه ۱۳۵۷ به حزب توده ایران پیوست.

رفیق حجت، که در این موقع در انستیتو تکنولوژی شیراز، در رشته راه و ساختمان تحصیل می‌کرد، در ارتباط با سازمان حزب توده ایران در شیراز، به بخش «نویس» و دیگر فعالیتهای حزبی پرداخت. بعد از پیروزی انقلاب فعالیت او با شور تمام ادامه یافت. بدنبال فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران برای شرکت در جنگ علیه رژیم جنایتکار صدام، رفیق حجت بیدرنگ به صف اول جبهه رفت و در خونین شهربه رزم روپاروی با خصم پرداخت و سرانجام هم جان خویش را نثار کرد.

هنگامیکه پیکر خونین رفیق را به خاک می‌سپردند، مادرش خطاب به رفقای او گفت:

«حجت مال مردم بود. مال عقیده‌اش بود. مال حزبی بود. او به همان راهی که میخواست، رفت. او در جنگ بسا دشمن خارجی برای دفاع از وطن شهید شد. من به شما و به حجت افتخار می‌کنم.»
و اکنون رفیق حجت، با قافله شهدای توده‌ای در راهت، قافله‌ای که شقایق و آزادی به قله تاریخ میبرد.
و اکنون توده‌ای راه رفیق شهید خود را بی‌لحظ‌ای درنگ، تا نابودی دشمن اصلی خلقهای جهان شیطان بزرگ - آمریکا ادامه می‌دهند.

«حجت مال مردم بود. مال عقیده‌اش بود. مال حزبی بود. او به همان راهی که میخواست، رفت. او در جنگ بسا دشمن خارجی برای دفاع از وطن شهید شد. من به شما و به حجت افتخار می‌کنم.»
و اکنون رفیق حجت، با قافله شهدای توده‌ای در راهت، قافله‌ای که شقایق و آزادی به قله تاریخ میبرد.
و اکنون توده‌ای راه رفیق شهید خود را بی‌لحظ‌ای درنگ، تا نابودی دشمن اصلی خلقهای جهان شیطان بزرگ - آمریکا ادامه می‌دهند.

«حجت مال مردم بود. مال عقیده‌اش بود. مال حزبی بود. او به همان راهی که میخواست، رفت. او در جنگ بسا دشمن خارجی برای دفاع از وطن شهید شد. من به شما و به حجت افتخار می‌کنم.»
و اکنون رفیق حجت، با قافله شهدای توده‌ای در راهت، قافله‌ای که شقایق و آزادی به قله تاریخ میبرد.
و اکنون توده‌ای راه رفیق شهید خود را بی‌لحظ‌ای درنگ، تا نابودی دشمن اصلی خلقهای جهان شیطان بزرگ - آمریکا ادامه می‌دهند.

«حجت مال مردم بود. مال عقیده‌اش بود. مال حزبی بود. او به همان راهی که میخواست، رفت. او در جنگ بسا دشمن خارجی برای دفاع از وطن شهید شد. من به شما و به حجت افتخار می‌کنم.»
و اکنون رفیق حجت، با قافله شهدای توده‌ای در راهت، قافله‌ای که شقایق و آزادی به قله تاریخ میبرد.
و اکنون توده‌ای راه رفیق شهید خود را بی‌لحظ‌ای درنگ، تا نابودی دشمن اصلی خلقهای جهان شیطان بزرگ - آمریکا ادامه می‌دهند.

«حجت مال مردم بود. مال عقیده‌اش بود. مال حزبی بود. او به همان راهی که میخواست، رفت. او در جنگ بسا دشمن خارجی برای دفاع از وطن شهید شد. من به شما و به حجت افتخار می‌کنم.»
و اکنون رفیق حجت، با قافله شهدای توده‌ای در راهت، قافله‌ای که شقایق و آزادی به قله تاریخ میبرد.
و اکنون توده‌ای راه رفیق شهید خود را بی‌لحظ‌ای درنگ، تا نابودی دشمن اصلی خلقهای جهان شیطان بزرگ - آمریکا ادامه می‌دهند.

بر اثر شیبخون مدافعان...

را منهدم و چندتن از آنان را به هلاکت رساندند. در این نبرد يك خمپاره‌انداز دشمن نیز توسط رزمندگان ما به غنیمت گرفته شد.
به گزارش خبرگزاری پارس، «سحرگاه دیروز در شیبخون رزمندگان ما به مواضع دشمن در امتداد جاده‌های آبادان-ماهشهر و آبادان-سهاوز، ۳ سنگر و يك نفر بر مزدوران بعث عراق منهدم شد و چند مزدور بعثی به هلاکت رسیدند. در این عملیات که با پشتیبانی آتش توپخانه صورت گرفت، کلیه مبارزان به سلامت به پایگاههای خود بازگشتند.»
براساس این گزارش، مزدوران صدامی به دنبال این حمله شبانه، حدود يك کیلومتر دیگر از مواضع اشغالیشان عقب‌نشینی کردند.
این گزارش همچنین حاکیست که «توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران در طول دیشب و صبح امروز (جمعه شب و صبح شنبه) سنگرها و ستونهای دشمن را در امتداد جاده‌های آبادان - ماهشهر و آبادان - سهاوز، زیر آتش خود قرار دادند.»
طبق يك گزارش خبرگزاری پارس «در طول هفته گذشته، سه تن از افراد ارتش عراق، که به انقلاب اسلامی ایران پیوسته و از طریق اروندرود قصد داشتند، خود را به ساحل ایران برسانند، در رودخانه غرق و دوتن دیگر از این گروه به ساحل رسیدند... این دوتن که یک نفر از آنان سرگرد و دیگری درجه‌دار ارتش عراق است، اظهار داشتند تعداد زیادی نظامیان عراق در ارتش بعث از اوضاع

استراتژی سلاح هسته‌ای جدید آمریکا، کشورهای در حال رشد را با خطر جدی روبرو میکند

در سند محرمانه وزارت دفاع آمریکا، امکان استفاده از سلاح هسته‌ای «در صورت حمله به ایران» پیش‌بینی شده است

استراتژی هسته‌ای جدید امپریالیسم آمریکا، که طی رهنمود شماره ۵۹ رئیس جمهور آمریکا اعلام گردیده، کوشش تازه‌ایست از جانب هارتین محافل متجاوز و جنگ‌طلب امپریالیسم آمریکا برای تشدید وخامت اوضاع بین‌المللی. این تلاش صلح و امنیت بسیاری از مناطق جهان را با خطری مهلك تهدید میکند.

میشود و بخش اعظم اعتبارات مالی را به مسابقه تسلیحاتی جلب میکند و کشورهای در حال رشد را از اعتباراتی که میتواند صرف نوسازی و رشد اقتصاد ملی آنان گردد، محروم میسازد. جلب کشورهای در حال رشد به تشدید مسابقه تسلیحاتی در وضع اقتصادی و اجتماعی این کشورها تأثیرات منفی و زیانباری دارد.

بهبود علت است که اکثریت نمایندگان کشورهای در حال رشد در جلسه نهایی اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد مربوط به مسائل اقتصادی، روی پیوند و تأثیر متقابل روند حل مشکلات اقتصادی و نوسازی روابط بین‌المللی در زمینه‌های اقتصادی و بازرگانی با پیشرفت امر استحکام مبانی صلح و خاتمه دادن به مسابقه تسلیحاتی، تأکید داشتند.

استراتژی هسته‌ای جدید آمریکا در عمل همه ابتکارات صلح‌جویانه برای سالم‌سازی محیط بین‌المللی از جانب کشورهای در حال رشد، از آنجمله تبدیل ناحیه اقیانوس هند و منطقه جنوب‌خاوری آسیا به منطقه صلح راه، که مورد حمایت اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی است، عقیم میگذارد.

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ضمن محکوم کردن کلیه نقشه‌های تجاوزی امپریالیسم آمریکا بارها اعلام کرده‌اند که با گسترش و ادامه مسابقه تسلیحاتی کاملاً مخالفند. این کشورها مصرحاً خواستار آن هستند که به مسابقه تسلیحاتی پایان داده شود تولید سلاحهای هسته‌ای و موشکی محدود گردد، تا خطر جنگ هسته‌ای، که خلقهای جهان را تهدید میکند، از میان برداشته شود.

اتحاد شوروی بارها اعلام کرده است که نسبت به خاک دیگران چشم ندارد، در امور داخلی هیچ کشوری مداخله نمی‌کند، اما همیشه قادر است از حقوق و منافع قانونی خود دفاع کند. رهبر اتحاد شوروی، لنین بر ژرف در این مورد تأکید کرد: «ما در برابر استراتژی هسته‌ای جدید آمریکا، که همه خلقهای جهان را با خطری جدی تهدید میکند، سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز و تشنج‌زدائی را قرار می‌دهیم و برای مذاکرات درباره محدود کردن سلاحهای هسته‌ای آماده‌ایم. بنظر ما این یگانه راه معقول برای حفظ صلح و حل و فصل مسائل بر فراخ بین‌المللی و پاسخگویی آرمانهای واقعی خلقهای کشورهای در حال رشد است.»

در شرایطی که زمامداران آمریکا از انقلابهای اجتماعی در کشورهای آسیا و آفریقا و روی کار آمدن رژیمهای مترقی در کشورهای آمریکای لاتین سخت نگران و ناراضی هستند، نقشه‌های ماجراجویانه هسته‌ای واشنگتن بیش از پیش خطرناک میشود.

سیاستمداران آمریکا، برغم درسهای ویتنام، همچنان تلاش دارند که مطلقاً با توسل به نیروی نظامی در روند رویدادهای جهانی اعمال نفوذ کنند. دولت آمریکا از هیچ تلاشی برای مداخله نظامی در ایران و افغانستان فروگذار نمیکنند. تشدید و گسترش تدارکات جنگی و حضور نظامی آمریکا در ناحیه اقیانوس هند، استقلال و امنیت کشورهای این منطقه را مورد تهدید و در معرض خطر تجاوز مسلحانه قرار داده است. فراموش نباید کرد که فاجعه هیروشیما و ناکازاکی نمونه‌های هشمنگاری از استراتژی نوین هسته‌ای آمریکا برای کاربرد محدود و منطقه‌ای سلاح هسته‌ایست.

این نکته را هم باید دانست که رهبران مائوئیستی چین با سیاست ماجراجویانه و سلطه‌گرانه خود، واشنگتن را در تدارکات جنگی و گسترش مسابقه تسلیحاتی تشویق و ترغیب میکنند و خود در این زمینه دستیار واشنگتن هستند. از سوی دیگر استراتژی هسته‌ای جدید آمریکا بمنزله موافقت واشنگتن با نظریه مائوئیستی ناگزیری جنگ موشکی و هسته‌ای جهانی و تحقق بخشیدن به این نظریه است.

ولی اجرای سیاست تجاوزگرانه و جنگ‌طلبانه آمریکا، که با دستیاری پکن انجام می‌گیرد، در برابر مقاومت و مبارزه خلقها و تمام نیروهای صلح‌دوست و ترقیخواه، با مشکلات و موانع جدی روبرو شده و میشود.

استراتژی هسته‌ای جدید ایالات متحد آمریکا با اهداف و آرمانهای خلقهای کشورهای در حال رشد مغایرت کامل دارد. این استراتژی محیط بین‌المللی را مسموم میکند، مانع از بیسن رفتن کانونهای خطرناک وخامت

دیگر به همین نتیجه رسیده بود که میگفت:

«ما نباید فراموش کنیم که با ایجاد پایگاه نظامی آمریکا در کشورمان، ما به آماج و شاد به عمده‌ترین آماج حملات احتمالی تبدیل میشویم.»

در همانحال، پایگاه و تاسیسات نظامی آمریکا در سرزمین کشور-های دیگر، که خط مقدم جبهه نامیده میشوند و طبق منطق فرماندهان نظامی آمریکا، علیه اتحاد شوروی هدفگیری شده‌اند، بیش از پیش به پایگاه استقرار واحدهای از نیروهای واکنش سریع تبدیل میشوند که مأموریت اصلی آنها، با عملیات سرکوبگرانه علیه جنبش‌های رهایی‌بخش ملی و رژیمهای مستقل ملی در کشورهای در حال رشد است.

چنانکه میدانیم، کارتر رئیس جمهور آمریکا، مناطق خاور دور و خاور نزدیک و حوزه خلیج فارس را به عنوان مناطقی اعلام کرده است که ایالات متحد آمریکا در این مناطق «منافع حیاتی مهمی» برای خود قائل است و قصد دارد از این منافع با توسل به نیروی نظامی و از جمله سلاح هسته‌ای دفاع کند.

اندیشه وارد کردن «هسته‌های محدود» از سال ۱۹۵۴ (۱۳۳۳) ژنرالهای آمریکا را دچار وسوسه کرده است، یعنی از زمانیکه آمریکا در نظر داشت ویتنام را مورد بمباران هسته‌ای قرار دهد.

شانزدهمین هم، زمانیکه وزیر دفاع ایالات متحد آمریکا بود، استفاده از سلاح اتمی علیه جمهوری دموکراتیک خلق کره را توصیه میکرد. و اکنون دوباره واشنگتن با اعلام استراتژی جدید هسته‌ای قصد دارد در روابط خود با کشورهای در حال رشد سیاست شانتاژ و تهدید اتمی و تحکم و زورگویی گستاخانه را اعمال کند.

چندی پیش در مطبوعات آمریکا خبری درباره یک سند، محرمانه وزارت دفاع آمریکا منتشر شده، در این سند محرمانه امکان استفاده از سلاح هسته‌ای «در صورت حمله به ایران» پیش‌بینی شده بود.

کشورهای آسیائی مستقر شده و ۲۵۰۰ واحد سلاح اتمی در ناو-های جنگی آمریکاست، که بخش اعظم آنها در آبهای اقیانوس هند و اقیانوس آرام و یا در پایگاه-های دریائی آمریکا در کشور-های در حال رشد در آسیا و آفریقا استقرار یافته‌اند.

خط مشی سیاسی و نظامی تدوین شده از جانب واشنگتن بطور ناگزیر به تشدید تدارکات جنگی و گسترش حضور نظامی آمریکا در مناطق مختلف جهان منجر میشود. ایجاد پایگاههای نظامی هوائی و دریائی جدید آمریکا در منطقه اقیانوس هند، خاور نزدیک و در منطقه شاخ آفریقا موید این واقعیت است.

امپریالیسم آمریکا در سرزمین کشورهای در حال رشد، علاوه بر پایگاههای نظامی، انبارهای اسلحه و مهمات و ذخایر مواد سوخت و به احتمال قوی سلاحهای اتمی ایجاد میکند. امپریالیسم آمریکا با استفاده از حقوق برون مرزی که بر رژیمهای دست نشانده خود تحمیل کرده، پایگاههای نظامی و انبار مهمات خود را در خاک این کشورها بصورت یک واحد مستقل در آورده، که دولت و مقامات مسئول این کشورها حق هیچگونه دخل و تصرف و یا نظارتی بر آنها ندارند.

ایالات متحد آمریکا علاوه بر پایگاههای نظامی و انبارهای مهمات در سرزمین کشورهای آسیا و آفریقا و استرالیا، دارای یک سری تاسیسات استراق سمع و کنترل الکترونی، تاسیسات هدایت زیردریایی اتمی و تاسیسات کسب اطلاعات راجسوسی در این مناطق است. طبق استراتژی هسته‌ای جدید آمریکا، پیش‌بینی شده است که، در صورت پیدایش «خطر»، نخستین ضربات هسته‌ای به این تاسیسات وارد خواهد آمد و کشورهای که آمریکا در آنجا پایگاه نظامی و انبار مهمات و تاسیسات نظامی دارد، عملاً به گروگان واشنگتن تبدیل میشوند. حتی چرچیل که خود یکی از طراحان «جنگ سرد» بود، در سال ۱۹۵۱ (۱۳۳۰) در مورد ایجاد پایگاههای نظامی آمریکا در سرزمین کشورهای

اما در آنزمان هم ایالات متحده آمریکا ناگزیر بود عکس‌العمل احتمالی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را در مقابل یک چنین اقدام ماجراجویانه‌ای بحساب بیاورد. و احتمال همین عکس‌العمل است که واشنگتن را از خود بیخود میکند و تمام حملات تبلیغاتی خود را علیه سیاست صلح‌جویانه اتحاد شوروی متوجه میسازد و تمام تلاش خود را بکار می‌بندد تا تناسب موجود نیروهای نظامی را بوسیله اقدامات جدید در تشدید مسابقه تسلیحاتی و تخریب در مذاکرات مربوط به محدود کردن سلاحهای استراتژیک، برهم زند و برتری نظامی بر اتحاد شوروی را برای خود تأمین سازد.

واشنگتن با اعلام استراتژی هسته‌ای جدید، بیوده به خود امیدواری میدهد که بدینوسیله بتواند زرادخانه هسته‌ای خود را، بدون ترس از مجازات، برای حل مسائل بین‌المللی به نفع خود مورد استفاده قرار دهد. در ضمن واشنگتن، برغم منافع خلقها، میکوشد کشورهای در حال رشد را به نقشه‌های تجاوزکارانه هسته‌ای خود جلب کند و در واقع خلقهای این کشورها را به گروگانهای خود تبدیل سازد.

طراحان نقشه‌های نظامی آمریکا، ضمن تلقین نظریات مربوط به «قابل قبول» بودن جنگ هسته‌ای و امکان استفاده «محدوده» و «منطقه‌ای» از سلاح هسته‌ای، تلاش دارند که خطر و پیامدهای چنین جنگی را از خاک ایالات متحد آمریکا دور سازند، و سرزمین کشورهای دیگر را، که پایگاه‌های سلاح هسته‌ای پنتاگون وزارت دفاع آمریکا در آنها استقرار یافته، به آماج این سلاح تبدیل سازند.

این تصمیم آمریکا در آن کشورهای باختری، که ذخایر بزرگی از سلاحهای آمریکائی در خاک آنها انباشته شده و در نظر است سلاحهای هسته‌ای جدید در آنها استقرار یابد، نگرانی‌روز-افزونی برمی‌انگیزد. استراتژی هسته‌ای جدید آمریکا آن کشور-های در حال رشد را، که وسائل نظامی آمریکائی خط اول جبهه، از قبیل زیردریاییهای موشک-انداز، ناوهای هواپیمابر با هوا-پیماهای حامل سلاح اتمی، در سرزمین و یا آبهای مجاور با سرزمین آنها استقرار دارند نیز در معرض خطر قرار میدهد. در ایتمورد سیاستمداران واشنگتن تلاش دارند که از این واقعیت کمتر کسی با خبر شود که فقط نیمی از ذخایر سلاحهای هسته‌ای آمریکا در سرزمین خود ایالات متحد آمریکا است و نیم دیگر این ذخایر سلاحهای هسته‌ای در پایگاههای نظامی آمریکا در سرزمین کشورهای دیگر استقرار یافته‌اند. طبق محاسبه، یک هزار و هفتصد واحد سلاح اتمی آمریکا در کره جنوبی، فیلیپین و دیگر

زمامداران ایالات متحده آمریکا با پامال کردن موازین و اصول پیمان مسالت ۱ و مسالت ۲ (پیمان محدود کردن سلاح استراتژیک) و دیگر قراردادهای پیمانهاییکه میان ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی منعقد شده است، استراتژی هسته‌ای جدید خطرناکی را اعلام میکنند. با آنکه هدف عمده این استراتژی هسته‌ای علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی است، اما این استراتژی در عین حال برای همه کشورهای در حال رشد نیز خطراتی جدی در بر دارد. نیت امپریالیسم آمریکا برای زیر سلطه قرار دادن کشورهای مستقل ملی و سرکوب جنبش‌های رهایی‌بخش خلقها، اندیشه تدوین نقشه‌های شیطانی تازمای را در او بر میانگیزد. یکی از نمودارهای چنین کوششی واکنش امپریالیسم آمریکانست به تصمیم کشورهای صادرکننده نفت در سال ۱۹۷۳-۱۹۷۴ (۱۳۵۲) بود. وزیر امور خارجه وقت آمریکا، کیسینجر، این کشورها را به مداخله نظامی تهدید نمود و اعلام کرد:

«ایالات متحده آمریکا موظف است صدور نفت ارزان به جهان غرب را با اشغال نظامی خلیج فارس تأمین کند.»

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM
No. 376
23 November 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

کشورهای امپریالیستی در تلاش برای نابودی روند آزادی ملی در خاورمیانه هستند

روزنامه «سرتاودز» ارکان کمیته مرکزی کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی نوشت: «امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا تلاش دارد جهان را به دوران شوم جنگ سرد بازگرداند و بنابراین تشنج در روابط میان کشورها را افزایش می‌دهد و خطر فاجعه هسته‌ای را بوجود می‌آورد.»

این روزنامه می‌افزاید: «صفت مشخصه سیاست امروزی قدرتهای غربی افزایش بی‌سابقه مخارج نظامی، گسترش تبالود نظامی و برافروختن شعله درگیریهای مسلحانه در نقاط مختلف جهان است.» به‌نوشته این روزنامه «کشورهای امپریالیستی فعالانه در رویدادهای خاورمیانه مداخله کرده و تلاش می‌کنند روند آزادی ملی را در این منطقه سرکوب کنند و کشورهای منطقه را برای غارت هرچه بیشتر ثروت‌هایشان تحت سلطه خود در آورند» این روزنامه تأکید می‌کند «دقیقا در این رابطه است که باید ایجاد پایگاههای جدید آمریکا در خلیج فارس، اقیانوس هند و دریای سرخ را مورد توجه قرار داد،

رویدادهای جهان

مقامات آمریکایی به سرکوب اقلیت‌های ملی در کشور اعتراف می‌کنند

پامپا، عضو برجسته وزارت دادگستری آمریکا، اعتراف کرد که جنگ اعلام نشده علیه سازمانهای اقلیت ملی در سرتاسر کشور جریان دارد. وی، که در نیوجرسی سخن می‌گفت، یادآور شد که خنوت‌های پلیس علیه اقلیت‌ها، به‌تظاهرات اخیر سیاهان، آمریکائیان مرکزی الاصل و دیگر اقلیتها منجر شده است. پامپا افزود: «تظاهرات اقلیتها نسبت به سال پیش ۹۱٪ افزایش یافته است.» البته این مقام وزارت دادگستری آمریکا، مانند همه سخنگویان آمریکا، در سخنان خود به علل اصلی اعتراض اقلیتها، که همانا فقر روزافزون، بیکاری و دیگر بدبختیهای مبتلابه جوامع سرمایه‌داری است، هیچگونه اشاره‌ای نکرده است.